

پژوهش‌های سیره در مطالعات اسلامی با تکیه بر مکتب بیت المقدس

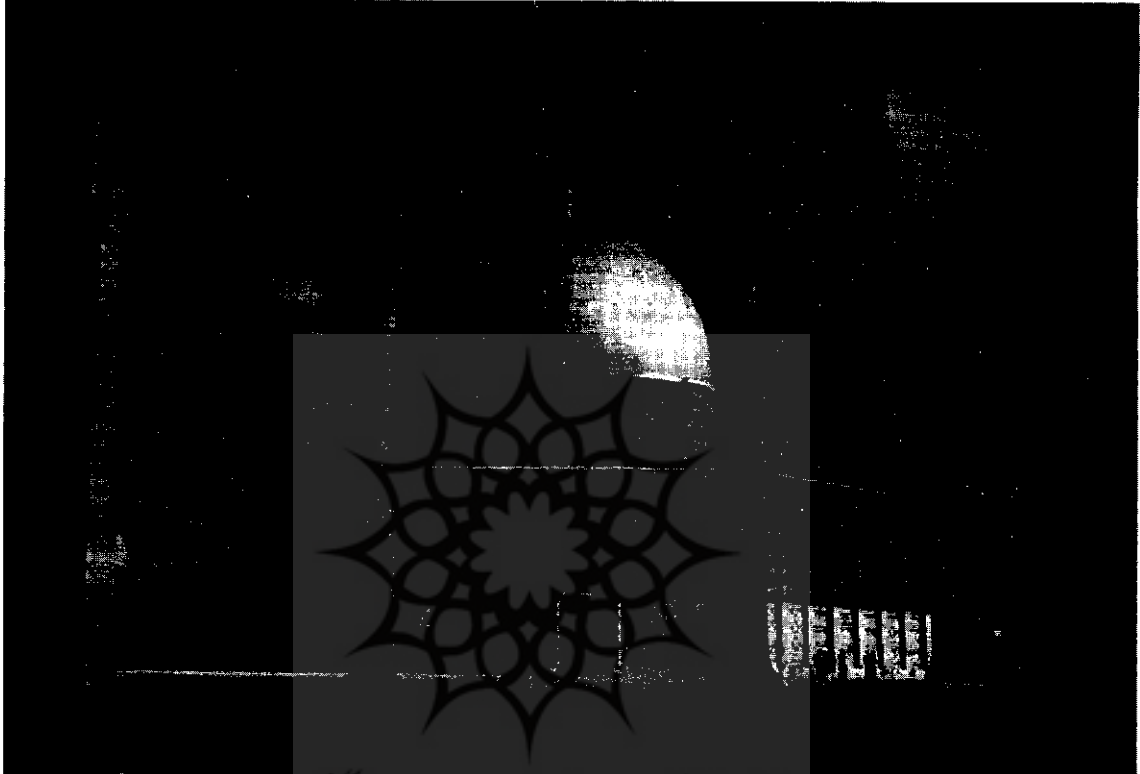
○ محمد کاظم رحمتی

نیست؛^۱ خاصه آنکه بسیاری از این آثار در دسترس نیستند.^۲ در حال حاضر مهم‌ترین منبعی که هر فرد علاقه‌مند به مطالعات اسلامی می‌تواند بدان رجوع می‌کند، دائرة المعارف اسلام، چاپ بریل، به ویژه ویرایش دوم آن است.^۳ در این دائرة المعارف، مدخل‌های متعددی وجود دارد که با موضوعات سیره و مغازی در ارتباط است.^۴ اما مدخل‌های محمد(ص)، سیره و مغازی از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ گرچه در مدخل محمد(ص) نکات قابل تأمل فراوانی وجود دارد.^۵ دو اثر مهم ولیام مونتگمری وات با عنوان‌های پیامبر در مکه و پیامبر در مدینه جزء آثاری هستند که همواره مورد مراجعه اسلام‌شناسان قرار می‌گیرند. این دو اثر به عربی ترجمه شده، اما تا به حال به فارسی برگردانده نشده‌اند.^۶ منقولات ابن‌اسحاق، که در سیره ابن‌هشام موجود است، همراه برخی روایات ذکر شده از وی در منابع دیگر را، *الفرد گیوم* به انگلیسی ترجمه نموده است.^۷ این ترجمه ظاهراً چندان دقیق نیست.^۸ رویکرد جدید در مطالعات سیره نبوی با نگارش کتاب *The Sectrian Milieu* به قلم جان ونزبرو (م. ۱۹۹۶ م) با چالش‌های جدیدی روبه‌رو گردید. مسئله‌ای که ونزبرو مطرح کرده، نزاع پر دامنه‌ای است بر سر مسئله مکتوب بودن سنت اسلامی (در مفهوم اعم آن) که چهره شاخص آن در سال‌های گذشته ژوزف شاخت است. به همین گونه، مطالبی درباره سیره ابن‌اسحاق بیان شده است. مطالعه مجدد سیره ابن‌اسحاق با انتشار بخشی از مغازی ابن‌اسحاق به روایت یونس بن بکیر (م. ۱۹۹۰ ق) که در نسخه‌ای خطی در قرویین فاس باقی مانده و روایت محمد بن سلامه حرانی (م. ۱۹۱ ق) در کتابخانه ظاهره دمشق، مورد توجه قرار گرفته است. این متون حاوی مطالبی هستند که تا به حال ناشناخته بوده یا با روایات موجود تفاوت دارند. مقایسه روایات یونس بن بکیر با منقولات

بررسی تحولات و مسائل صدر اسلام، از دیرباز یکی از حوزه‌های مورد علاقه اسلام‌شناسان بوده است.^۹ ظهور اسلام و گسترش آن، خصوصاً در سال‌های نخست پیدایی، موضوعی مهم و مورد توجه برای اسلام‌شناسان بوده است. بنابراین، عجیب نخواهد بود که جریان اسلام‌شناسی را از آغاز به این بخش از تاریخ اسلام علاقه‌مند ببیایم.^{۱۰} در اوایل قرن نوزدهم کسانی چون گایگر و هرفلد به مطالعه صدر اسلام و ظهور آن پرداخته‌اند. هدف این دو - که نمونه‌های مهمی از تفکر رایج اسلام‌شناسان آن دوره بوده - نشان دادن خاستگاه‌های ظهور اسلام و غالباً با تأکید بر ریشه‌های یهودی - مسیحی بوده است.^{۱۱} همچنین اثر مهم کایتانی که به نحو سال‌شمارانه حوادث اسلامی را بررسی کرده، در چنین فضایی تألیف شده است. دیگر چهره مشهور این دوره، هنری لامنس است که مطالعات متعددی در مورد صدر اسلام انجام داده.^{۱۲}

روند اسلام‌شناسی و مطالعات اسلامی با پیدایی تحولاتی در نگرش و رویکرد اسلام‌شناسان، موجب گردید تا جریان‌های دیگری نیز در این گونه مطالعات پدید آید. یکی از مهم‌ترین این حرکت‌ها در سیره نگاری، مکتب بیت المقدس است، که در حقیقت هدف اصلی این نوشتار معرفی این مکتب و ارائه گزارشی تفصیلی از آن در حد دستیابی به تحقیقات محققان این مرکز است.^{۱۳}

قبل از ورود به بحث، نخست لازم است توضیحات چند در مورد شیوه کار بیان کنیم. هدف نوشتار حاضر تنها ارائه توصیفی از مقالات خواهد بود. نکات قابل نقد متعددی - از نظر تاریخی یا کلامی - بر برخی از مطالب مندرج در این آثار وارد است، اما هدف این گزارش نقد آنها نیست.^{۱۴} همچنین آثار تک‌نگارانه متعددی درباره پیامبر به رشته تحریر در آمده است که ارائه گزارشی از آنها در حوصله این نوشتار



مطالعاتی در مورد سر آغاز تاریخ نگاری اسلامی» در مجله ۱۲- (۱۹۵۷) BSOAS, xix بیان نمود. «همچنین بنگرید به: جی. م. ب. جونز، مقاله ابن اسحاق و واقدی، رؤیای عاتکه و حمله بر نخله، مسئله اقتباس و سرقت مطالب در ۴۱-۵۱ (۱۹۵۹) BSOAS, xxii. در این مقاله جونز نتیجه می‌گیرد که: بخش اعظم مطالب سیره، پیشتر (یعنی قبل از زمان واقدی و ابن اسحاق) در قرن دوم تدوین شده بود و... نویسندگان بعدی نکات تفسیری را بر آن افزودند. آنها مطالب را بر اساس مفاهیم ذهنی خود تنظیم کردند و نکاتی بر آن روایات افزودند. بحث در مورد مبدأ تاریخ نگاری اسلامی تقریباً بر این دو نکته تمرکز دارد:

۱. آیا هیچ متن تدوین یا گردآوری شده از قرن اول هجری موجود است؟

۲. آیا متونی که به نویسندگان آن دوره نسبت داده می‌شود، اصالت دارند یا خیر؟^{۲۶}

نظریات جان ونزبرو در کتاب دیگری با نام *مطالعات قرآنی* (۱۹۷۷, *Quranic Studies*) بیان شده است. ونزبرو ادعاهای مشابهی در مورد قرآن مطرح کرده است.^{۲۷} بعد از ونزبرو دو شاگرد وی، یعنی خانم پاتریشیا کروان و مایکل کوک *Cook Michae*، مشترکاً کتابی به نام *هاجرسیم، ساخت جهان اسلام*^{۲۸}، نظری را که

زیاد بن عبدالله بکائی که ابن هشام آنها را حفظ کرده است، این نکته را تأیید می‌کند.^{۲۹} از مقایسه این روایات *Sellheim* و *Samuk* و *Muranyi* چنین نتیجه گرفته‌اند: نوشته مکتوبی از خود ابن اسحاق وجود نداشته و آنچه در اختیار ماست، تنها روایات منقول از اوست و تنها با مرویات وی روبه‌رو هستیم که باید آنها را با یکدیگر بسنجیم. مورینی بیان کرده یونس بن بکیر مطالبی را نقل نموده که از طریق ابن اسحاق نیست و خود وی فی نفسه مؤلف سیره بوده است و بخاری، ابن کثیر و دیگران از زیادات المغازی وی نقل‌هایی را آورده‌اند.^{۳۰}

شاخصه آراء خود را تنها در مورد حدیث بیان کرده و از متأخر بودن سنت نگارش متون و رواج نقل شفاهی در قرن اول و دوم سخن گفته و در کتابی از آراء خود دفاع نموده است.^{۳۱} برای مثال *هومفریز* در مورد بحث از اعتبار بخش‌های موجود از *مغازی موسی بن عقبه* یا عدم اعتبار این منقولات به عنوان آنچه واقعاً خود ابن عقبه ثبت کرده است یا خیر، می‌نویسد:^{۳۲}

درباره وثاقت و اعتبار روایات منسوب به وی، ساخت در نوشتاری با عنوان «در باب مغازی موسی بن عقبه» در مجله *Acta* ۳۰۰-۲۸۸ (۱۹۵۳) *Orientalia*, xxi تردید کرده است. پاسخی در خور به نقد ساخت را، *عبدالعزیز دوری* در مقاله‌ای با عنوان «الزهری،

ونزبرو مطرح کرده بود گامی جلوتر برده، ادعا کردند که تمام روایات تاریخی اسلامی دست‌کم تا زمان عبدالملک (۸۵-۸۶ق) از جلیلیات دوره‌های متأخرتر است و واسازی فتوحات اعراب و تشکیل خلافت به عنوان حرکت اعراب شبه جزیره متأثر از روح هزاره‌گرایانه و موعود گرایانه یهودی برای رسیدن به سرزمین موعود است. در این تفسیر اسلام گرچه به عنوان یک دین و فرهنگ که مستقلاً ظهور نموده، مورد پذیرش است اما تنها در درون یک فرایند مبارزه طولانی برای کسب هویت در بین مردمان متفاوت سرزمین‌های فتح شده قابل فهم است. هومفریز بعد از نقل این مطلب بیان کرده که نظر کروان و کوک مورد پذیرش عموم مستشرقان نیست. با این حال کروان فعالیت‌های خود را ادامه داده و در دو کتاب دیگر با نام‌های *سواران بر اسب، گسترش سیاست اسلامی*^{۲۳} و *تجارت مکه و ظهور اسلام*^{۲۴} از دیدگاه‌های خود دفاع کرده و آن را در باب مسائل دیگر تعمیم داده است. در کتاب نخست، وی تمام اطلاعات مورخان را تا سال ۶۰ هجری را غیرقابل اعتماد می‌داند و تنها نام افراد و برخی تاریخ‌های ذکر شده را قابل قبول می‌داند. در کتاب دوم (تجارت مکه) بیان می‌دارد که بسیاری از اخبار تاریخی منتسب، چیزی جز تفصیلات وهمی در مورد تفسیر برخی از آیات دشوار قرآن نیست.^{۲۵}

گرچه غالب محققان اسلامی، تجارت خارجی مکه را پذیرفته‌اند و گسترش آن را بعد از اخذ امان نامه‌ها در زمان هاشم، جد اعلی پیامبر می‌دانند، با این حال کرون ضمن تردید در این مسئله، حتی منکر آمدن اعراب برای برگزاری حج در مکه قبل از اسلام شده است. این کتاب همانند آثار دیگر کروان نقد شده است. ریشار بولیه در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر کتاب تجارت مکه» نظریات کروان را نقد کرده است.^{۲۶} فکتور سحاب، محقق دیگری است که با بررسی تفصیلی تجارت مکه و مسئله ایلاف، بخشی از کار خود را به نقد آراء کروان اختصاص داده است.^{۲۸} *اروی روبین* نیز در مقاله‌ای با «عنوان تجارت مکه و تفاسیر قرآنی، نکاتی درباره آیه ۱۹۸ سوره بقره»^{۲۷} مطالبی در نقد کروان بیان داشته است. روبین معتقد است روایات موجود، نظر کروان را تأیید نمی‌کند. مشکل کروان، بی توجهی به نکات جغرافیایی است. خُجاج در زمان جاهلیت عموماً به عرفه و منا می‌رفته‌اند تا اعمال حج را در آن محل‌ها به جا بیاورند. به همین دلیل در روایات ناظر به حج در جاهلیت به این دو محل بیش از مکه اشاره شده است (روبین، ۱۹۹۰، صص ۴۲۶-۴۲۷).^{۲۹}

برخلاف این دیدگاه م. ج. کیسترو، فرد محوری مکتب بیت المقدس در پژوهش‌های متعدد خود - که در ذیل از آنها بحث می‌گردد - نشان داده است برخی احادیث که وی به عنوان نمونه برگزیده و از لحاظ مضمون و زبان، مورد بحث قرار داده، پیشینه کهنی دارند و جدای از آنکه واقعاً بیانگر تعالیم پیامبر باشند یا خیر، به روشنی بازتاب دهنده دیدگاه‌ها و مسائل دهه‌های نخست اسلامی هستند.^{۳۰} بنابراین، اهمیت مکتب بیت المقدس جدای از پژوهش‌های انجام شده توسط محققان این مرکز، از این حیث نیز می‌باشد. بعد از این مقدمه کوتاه، نخست به معرفی مکتب بیت المقدس و جریان‌های شاخص آن می

پردازیم و در ادامه از برخی تحقیقات دیگر نگاشته شده در حوزه سیره - تا حدی که دست یابی به آنها میسر گردید - سخن خواهیم گفت.

مکتب بیت المقدس

در سال ۱۹۲۶، بخش مطالعات اسلامی در دانشگاه حبرو (Hebrew) در فلسطین اشغالی تأسیس شد.^{۳۱} بخش گروه تاریخ در پنج سال نخست تأسیس خود، تحت نظارت و سرپرستی هورویتز، اسلام شناس مشهور آلمانی بود.^{۳۲} از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ نیز Gotthold دیگر استاد دانشگاه فرانکفورت - جایی که هورویتز نیز در آنجا مشغول به فعالیت بود - عهده دار سرپرستی این دانشگاه گردید. بدین ترتیب مطالعات اسلامی در این دانشگاه، تحت تأثیر و نگرش محققان آلمانی قرار داشته است.^{۳۳} شخصیت محوری این دانشگاه، پرفسور م. ج. کیسترو است که حوزه مطالعاتی وی جاهلیت و صدر اسلام و سیره است. تحت اشراف وی، میخائیل لکر (Lecker Michael)، اروی روبین و الالندو تاسرون پایان نامه‌های خود را با تکیه بر سیره و تاریخ صدر اسلام نگاشته‌اند.^{۳۴}

در ذیل به بررسی و ارائه گزارشی از این نوشته‌ها - تا بدان حد که دست یابی به آنها میسر گردید - می‌پردازیم. پژوهش‌های کیسترو به دو دسته کلی تقسیم می‌گردند:

نخست تحقیقاتی که به بررسی و تحلیل حوادث سیاسی - اقتصادی قبل از زمان بعثت پیامبر (ص) می‌پردازد؛
دوم آثاری که در آنها مسائل زمان پیامبر بررسی شده است. از آن جایی که نوشته‌های بخش اول، تمهیدی برای آثار بخش دوم هستند، ابتدا به این آثار می‌پردازیم.

مهم‌ترین دغدغه کیسترو در این تحقیقات، سعی وی در تحلیل علت و راه‌هایی است که مکه را به شهری مهم در نیمه قرن دوم قرن ششم میلادی تبدیل کرد. با وجودی که اشارات اندکی در منابع به این نکته می‌توان یافت، این مسئله متفقاً در منابع، مورد تأکید قرار گرفته است که تجارت مکه از زمان هاشم بن عبد مناف به بعد گسترش یافته و قبل از آن، به مکه و ایام حج محدود بوده است. زبیر بن بکار در گزارشی از وضع مکه پیش از فعالیت‌های هاشم، به وجود رسم اعتقاد در بین قریش اشاره کرده است. بر اساس نوشته وی قریشیان در جاهلیت عملی به نام اعتقاد انجام می‌داده‌اند. هم او در توضیح این مسئله بیان می‌دارد که قریشیان چون در تجارت خود دارای خویش را از دست می‌دادند، به بلندی رفته و چادری در آنجا برپا می‌داشتند و همانجا می‌مانند تا مرگشان در می‌رسید. این وضع ادامه داشت تا هاشم توانست ایلاف ذکر شده در قرآن را بگیرد.^{۳۵}

از برخی منقولات نیز می‌توان مؤیدی بر این گفته یافت. ظاهراً حرمت مکه نزد تمام مردم جزیره العرب مورد قبول نبوده است. برخی از قبایل حرمت مکه را نادیده می‌گرفتند و به مردم و کاروان‌های تجاری، حتی به هنگام ایام حج و ماه‌های حرام، حمله می‌کردند.^{۳۶} ابن سعید اندلسی که کتاب *نشوة الطرب فی تاریخ جاهلیة و العرب* وی تا به حال در تحقیقات اسلامی چندان مورد توجه قرار نگرفته، به

نقل از کتابی به نام **الکمامم** که ظاهراً مقفود است، می‌نویسد:

قال صاحب الکمامم کانت قریش قد انقطعت عند البیت و کانت العرب التي حولها تمنعهم من الخروج في طلب المعاش و لم يكن لهم عيش الا ما يأتي الموسم ايام الحج، فلما نشأ بنو عبدمناف المذكورن اخذوا العرب بالسياسة و المهاداة الى ان انقادوا لهم و فتحوا الطريق لسفارهم حيث شاءوا، فاخترعوا الايلاف الذي ذكره الله عز و جل.^{۳۸}

مطلب مشابهی را یعقوبی نیز در تاریخ خود ثبت کرده است.^{۳۹} با این حال، رهبران خردمند مکه توانستند در تلاشی پیگیر تجارت مکه را گسترش دهند و ارتباط خود با قبایل را محکم کنند. ارتباط مکه با قبایل دیگر، به ویژه مراکز مهم اقتصادی - سیاسی آن دوره، یعنی حیره و یمن، نکات مهم مورد نظر کیستر می باشند. مقاله مکه و تمیم، در ابعادی از ارتباط آنها به بررسی رشد و گسترش مکه می‌پردازد.^{۴۰} در این تحقیق، کیستر تجارت مکه را بررسی و نقش مهم قبیله تمیم را در این بین بازگو می‌کند. قبیله تمیم یکی از مهم‌ترین هم‌پیمانان حیره و تأمین‌کننده سلامت راه‌های بازرگانی آنها بوده است.^{۴۱} با افول قدرت حیره و نیاز به یافتن متحد نیرومندی دیگر، رهبران تمیم به سمت مکه، کانون جدید رشد قدرت، چشم دوختند. عامل مهم دیگر در تحکیم این روند، ازدواج قریشیان با دختران تمیمی بود. کیستر فهرستی را از افراد و رجال برجسته مکه که با زنان تمیمی ازدواج کرده‌اند، ارائه نموده است.^{۴۲} تغییر در روابط قبایل با حیره که به نحو موزج در مقاله مکه و تمیم بررسی شده، به نحو تفصیلی در مقاله‌ای با عنوان «حیره، نکاتی چند در مورد روابطش با قبایل عربی» مورد بحث قرار گرفته است.^{۴۳} اساس بحث کیستر در این نوشتار کتاب **المناقب المزیديه** است. این کتاب بر اساس برخی نوشته‌های قدیمی‌تر در باب تاریخ حیره تدوین شده و مطالبش را منابع دیگر تأیید می‌کنند.

اما آنچه هنوز نیازمند پژوهش بیشتر است، تغییرات رخ داده در خود مکه می‌باشد. شرایط جدید اوضاع مکه را دگرگون کرده بود. کیستر این مسئله را در مقاله «آخاری چند در باب مکه از جاهلیت تا اسلام»^{۴۴}، «مکه و قبایل عربی؛ نکاتی چند در روابط بین مکه و قبایل عربی»^{۴۵} و «غرباء و حلفاء در مکه»^{۴۶} بررسی کرده است.^{۴۷} در مقاله نخست، کیستر

اطلاعات پراکنده ذکر شده درباره مکه را به خصوص از تاریخ مکه فاکهی - که وی مدت‌ها پیش از چاپ متن عربی از نسخه خطی آن مطلع بوده و در تحقیقاتش از آن استفاده می‌کرده -^{۴۸} و دیگر منابع گرد آورده است. در این نوشتار کیستر از اثر **نهاية العرب في اخبار الفرس و العرب** روایت ناظر به تجارت مکه و فعالیت‌های هشام را بیان کرده است. نکته با اهمیت در این خبر، تأکید آن بر تجارت مکه با حبشه است. در ادامه، کیستر از حمله ابرهه به مکه و قبایلی که ابرهه را در این حمله یاری کرده‌اند، سخن گفته است.^{۴۹} نکته مهمی که کیستر در این مقاله به آن اشاره کرده، تلاش مکیان برای گسترش جمعیت مکه با هم پیمان شدن با افراد قبایل دیگر بود. این کار با ازدواج‌های متقابلی که صورت می‌گرفت تقویت شده بود. مقاله «مکه و قبایل عربی» به تلاش‌های مکیان در تقویت تقدس مکه، مبارزه آنها با

تشکیل نهاد بس و نقش قبیله مهم فزاره و رهبر آن، عینة ابن حصن فزاری که نقشی تعیین کننده در حوادث بعدی صدر اسلام ایفا نمود، می‌پردازد. ترکیب پی‌گیری این مقالات به نحوی است که هر یکی تکمیل کننده جنبه‌ای ذکر شده و مجمل در مقاله قبلی است؛ کاری که حتی در تحقیقات شاگردان کیستر دنبال شده است.

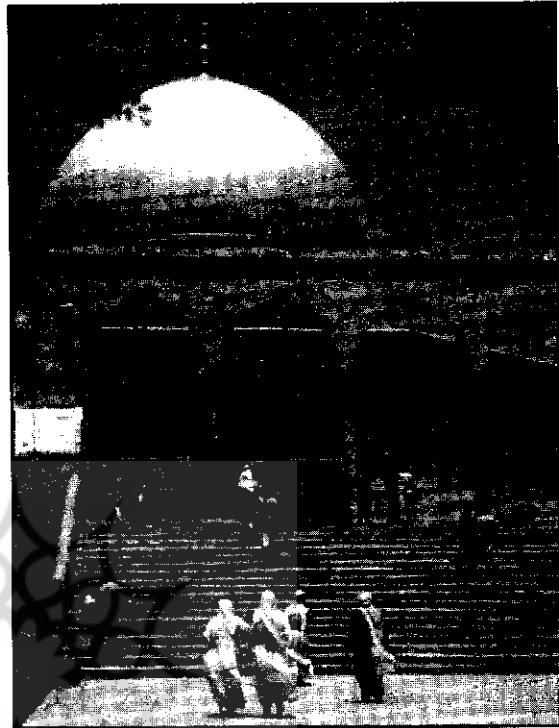
اطلاعات مهم ذکر شده در کتاب **جمهرة النسب ابن کلبی**^{۵۰}، نقشی مهم در تحلیل‌های کیستر ایفا می‌کند. بر اساس همین کتاب، کیستر در مقاله‌ای با عنوان «نکاتی در مورد همسر طلا فروشی از فدک و اولادش، مطالعه‌ای در روایات نسب شناسانه جاهلی»، به بررسی سلسله نسب یک خانواده یهودی ساکن در فدک و نقش آنها در صدر اسلام پرداخته است. نکته‌ای که وی پیشتر در بررسی عبارتی از **معجم البلدان** نوشته یاقوت و **المسالک و الممالک**، ابن‌خردادبه در تحلیل جایگاه قبایل یهود در مدینه در مقاله «حیره و نکاتی از ارتباطاتش»، بدان اشاره کرده بود.^{۵۱} نتیجه‌ای که کیستر در پایان مقاله خانواده‌ای یهودی گرفته، آن است که:

تذکراتی چند درباره عبارت‌های مورد اشاره در قبل، می‌تواند سودمند باشد. جالب توجه است که یهودیان ساکن در فدک مجبور به پرداخت خراج به گروه قبیله‌ای کلب گردیده بودند. روایت، به نظر می‌رسد به افول قدرت ساکنان کشاورز یهودی در آن دوره (اواخر ربع سوم قرن ششم میلادی) اشاره داشته باشد؛ ضعف حکام حیره، تغییرات ناگهانی در امپراتوری ایران، ظهور قدرت قبایل عرب، ظهور مکه به عنوان مرکزی با نفوذ در شبه جزیره عربی، همه این موارد علت حمله موفقیت آمیز حارث بن حصن بر فدک و فتح آن را تبیین می‌کند. این مطلب در حقیقت از این عبارت آشکار می‌گردد: «افتحتها کلب». این عبارت به فتح روستا یا شهری اشاره دارد. جالب توجه، رویدادی است که در همان زمان رخ داده: نماینده یهودی ایران در مدینه با فردی خزرجی به نام **عمرو ابن اطنابه** جایگزین گردید^{۵۲} و موقعیت غالب یهودیان در این شهر کاهش یافت.

نقشی را که مکه در این دوره ایفا نموده است می‌توان از برخی روایات راجع به مهاجرت اعضای قبایل مختلف به مکه استنباط کرد. ازدواج‌های بین قریشیان و اعضای قبایل مهاجر بازتاب تحول جمعیت فراوان چند نژادی است که همچنین تحت سیطره سنت و رسوم روبه رشد مکی بودند. مهاجران، به نظم مکی، داخل و در جامعه مکی جذب گردیدند. این آمیختگی خاص یهودی، مسیحی، کلبی، تغلی، تمیمی و عناصر قریشی بود که مؤمنانی چون **عایش**، ملحدی معاند چون **ابو جهل** و شاعری سخاوتمند چون **عمرو بن ابی ربیع**ه را پدید آورد.

حوادث دوران پیامبر

در این مقاله‌ها کیستر بررسی‌های خود را به برخی حوادث زمان پیامبر اختصاص داده است. وی در مقاله‌ای با عنوان «تکه گوشت قربانی، مطالعه‌ای در مورد حدیثی کهن»، به بررسی روایتی منقول از یونس بن بکیر (م ۱۹۹) از ابن‌اسحاق می‌پردازد. این روایت در نسخه خطی ۲۲۷ قزوین فاس ذکر شده و در آن خبر دینار پیامبر با زید بن



عمرو بن نوفل (یکی از حنفاه) بیان شده است.

دیگر مقاله کوتاه کیستر، «بازار مدینه» است.^{۳۳} در این مقاله، کیستر روایات ناظر به علت قتل کعب بن اشرف را بررسی کرده است. ابن شیبۀ^{۳۴} تاریخ نگار معروف مدینه، علت قتل کعب را در روایتی چنین بیان داشته است. این روایت در متن تاریخ مدینه منوره که ناقص است، موجود نیست اما سمهودی آن را نقل کرده. در این نقل ابن شیبۀ به وضوح تلاش‌های کعب را برای مقابله با تأسیس بازاری برای مسلمانان توسط پیامبر بیان می‌دارد. کیستر در این مقاله تمایل دارد تا علت اصلی قتل کعب را مخالفت وی با تأسیس بازار در مدینه بداند. اروی روبین در مقاله‌ای با عنوان «قتل کعب بن اشرف» در این باره فحص بیشتری کرده است.^{۳۵} خلاصه‌ای از نوشتار روبین را در ذیل با هم مرور می‌کنیم.

کعب بن اشرف، رهبر یهودی مدینه، از طرف مادری به قبیله بنی نضیر (از قبایل مهم یهودی مدینه) پیوند می‌یافت. بر اساس منابع، کعب به دستور پیامبر و به دست عده‌ای از مسلمان کشته شده است. در نخستین کتاب‌های سیره، تاریخ قتل وی شش ماه بعد از جنگ بدر یاد شده است.^{۳۶}

ابن اسحاق، دلیل دستور پیامبر مبنی بر قتل ابن اشرف را این گونه بیان کرده است:

کعبه بعد از بدر به مکه رفت و قریش را به جنگ با پیامبر تحریض نمود. همچنین اشعاری در سوگ قربانیان قریش در بدر سرود. بعد از بازگشت به مدینه، وی با سرودن اشعاری به هجو زنان مسلمان پرداخت. بعد از این حوادث بود که پیامبر از پیروان خود

خواست تا کعب را به قتل برسانند. در منابع دیگر علت قتل کعب توطئه وی همراه عده‌ای از یهودیان برای به قتل رساندن پیامبر ذکر شده است. مطالب ذکر شده کل آن چیزی است که کتب سیره در اختیار ما قرار می‌دهند و با مراجعه به متون تفسیری به اطلاعات بیشتری دست می‌یابیم.^{۳۷}

پس از ذکر روایت ابن اسحاق در این مورد، روبین به بیان ماجرا بر اساس روایت بغوی (م ۵۱۶ ق) در تفسیر قرآنی‌اش در ذیل سوره حشر (سوره نضیر) پرداخته است. روایت بغوی شامل مطالبی درباره حوادث مهمی است که پیامبر را به لشکرکشی بر ضد بنی نضیر واداشت. کعب بن اشرف در این میان نقشی مهم ایفا کرد.

گرچه ظاهر نقل بغوی یک روایت نشان می‌دهد، در اصل ترکیب شده از چند روایت است. بخش نخست روایت به نقل پیمان نامه پیامبر با یهود پرداخته است (قانون نامه مدینه). این پیمان تا بعد از جنگ احد پابرجا بود. پس از آن بنی نضیر آن را نقض کردند. کعب اشرف بعد از جنگ احد همراه با چهل یهودی به مکه رفت و قراردادی مبنی بر همکاری با ابوسفیان بر ضد پیامبر منعقد نمود. بعد از بازگشت به مدینه، جبرئیل این ماجرا را به پیامبر خبر داد.^{۳۸}

نکته اصلی که این روایات را از منقولات موجود در کتب سیره متمایز می‌کند، اشاره به کشته شدن کعب بعد از جنگ احد است که نتیجه‌ای از عملش در تشویق بنی نضیر به نقض عهد خود با پیامبر و عقد قرارداد با ابوسفیان بوده است. شواهدی دال بر انعقاد پیمان بین قریش و کعب در منابع قدیمی نیز وجود دارد. ابن حجر عسقلانی این مطلب را به نقل از ابن کلبی در کتاب فتح الباری نقل کرده است.^{۳۹} بر اساس این روایت، قتل کعب بعد از ماجرای پرداخت دیه به بنی عامر بود که به خطا دو نفر از افراد قبیله شان به دست مسلمانان کشته شده بودند. این ماجرا بعد از حادثه بئر معونه رخ داد. پیامبر برای تأمین پول فدیه به نزد بنی نضیر رفت، اما آنها بر ضد پیامبر توطئه کردند. سدی (متوفای ۱۲۸ ق.) که روایت وی را طبری آورده است، بیان کرده که بعد از این ماجرا بود که کعب به نزد قریش رفت و با آنها پیمان همکاری مشترک بر ضد پیامبر امضا نمود.

مقاتل بن سلیمان نیز در تفسیر خود در ذیل سوره حشر این روایت را آورده است. از نظر روبین، اهمیت این نقل در فراهم آوردن امکان بیان چرایی اخراج بنی نضیر از مدینه است. زمان رخ دادن این واقعه را، با توجه به امضای قرارداد کعب با قریش، می‌توان بعد از حادثه بئر معونه دانست.

مهم‌ترین مقاله کیستر در مورد یهود، نوشتاری با عنوان «قتل عام بنی قریظه، بازنگری یک روایت» است.^{۴۰} این مقاله در حقیقت نقدی بر مقاله کوتاه، اما مهم ولید عرفات با عنوان «نکاتی تازه یاب در مورد بنی قریظه و یهودیان مدینه» است.^{۴۱} عرفات بعد از نقل متداول داستان ناظر به قتل عام بنی قریظه، آن را جعلی و منبع داستان را روایات یهودی معرفی می‌کند.^{۴۲} از نظر عرفات، موثق‌ترین منبع در مورد بنی قریظه، قرآن کریم است که به این حادثه تنها در آیه ۲۶ سوره احزاب، آن هم به اختصار پرداخته است. سپس دوازده دلیل در رد این

ماجرا ذکر می کند که مهم ترین آنها عبارت اند از:

ذکر مختصر ماجرا در قرآن و عدم اشاره به قتل گروهی انبوه، قاعده فقهی اسلام مبنی بر آنکه تنها افراد مسئول مجازات شوند، منافات کشتن چنین خیل عظیمی با عدالت اسلامی. در قرآن درباره اسرای جنگی بیان شده است که آنها را باید رها نمود یا با گرفتن فدیة آزاد کرد (قرآن، سوره فصلت، آیه چهارم). این کاملاً مردود است که یهودیان بنی قریظه می بایست قتل عام می گردیدند، در حالی که در بعد و قبل از این ماجرا با یهودیان به ملائمت برخورد شده بود. ابو عبید قاسم بن سلام در کتاب الاموال^{۳۲} می نویسد: وقتی خیبر به دست مسلمانان افتاد، در میان آنها خانواده ای یهودی که به خصومت با پیامبر شهره بودند، حضور داشتند و پیامبر با آنها با ملائمت برخورد کرد.^{۳۳}

در هیچ یک از آثار جغرافیایی مدینه، به خندق های حفر شده که ادعا می گردد در آنها یهودیان به قتل رسیده اند، اشاره نشده است.^{۳۴} ابو عبید به ماجرای مشابهی در برخورد مسلمانان با اهل کتاب در زمان اوزاعی اشاره کرده است که اوزاعی، تنها حکم کرده بود افراد مسئول در حادثه مجازات گردند و استدلال نموده بود افرادی که تقصیری در ماجرا نداشته اند نباید مجازات گردند.^{۳۵} در فهرست ذکر شده از کشته شدگان بنی قریظه، تنها به نام چند نفر که رفتار خصمانه ای با پیامبر داشته اند اکتفا شده است. این، دلالت بر آن دارد که افراد کشته شده تنها همین چند نفر بوده اند. جزئیات داستان نیز دلالت بر این دارد که راوی خیر، فردی یهودی بوده است؛ چرا که برخی جزئیات ظریف از اوضاع یهود در هنگام محاصره را بیان می دارد. جزئیات دیگری که در داستان ذکر شده، قبول آن را غیر ممکن می کند. گفته شده است که صدها نفر از افراد بنی قریظه در خانه های متعلق به بنی نجار زندانی شده بودند. تاریخ قبایل یهود بعد از اسلام چندان مشخص نیست. برای مثال ابن حزم در جمهرة الانساب (تحقیق عبدالسلام هارون، قاهره، ۱۹۶۲، ص ۳۴۰) خبری دال بر زندگی یهود در مدینه بعد از این حوادث ذکر کرده است. واقدی در دو جا از حضور یهودیان در مدینه خبر می دهد که کوشیده بودند برخی از افراد مسلمان را از همراهی با پیامبر برای فتح خیبر به بهانه بدهکار بودن به آنها باز دارند.^{۳۶} بعد از این نکات، عرفات می گوید منبع داستان کشتار یهودیان بنی قریظه بر اساس قتل عام یهودیان مستند^{۳۷} در سال ۷۳ ق. جعل شده است. این ماجرا را مورخ یهودی ژرفوس فلاویوس^{۳۸} (Josephus Flavios) در روایتی بیان داشته است که از برخی جهات با داستان بنی قریظه شباهت دارد. این موارد عبارت اند از:

۱. به نوشته فلاویوس، اسکندر که در بیت المقدس قبل از هرود کبیر حکومت می کرده است، ۸۰۰ یهودی را اسیر کرد و زنان و فرزندان آنها را پیش چشم مردان شان به قتل رساند.
۲. همین گونه شماری دیگر به قتل رسیده بودند.
۳. شمار افراد کشته شده در دو نقل همانند است. در مستند شمار کلی کشته شدگان ۹۶۰ نفر بوده است. سر بریده شدگان نیز ۶۰۰ نفر

بوده اند. همچنین زمانی که آنها به وضع بحرانی رسیده بودند، یکی از یهودیان پیشنهاد کرده بود، فرزندان و همسرانشان را بکشند و خود تا آخرین نفس بجنگند.^{۳۹}

نکات مهم مقاله عرفات مطالبی بود که ذکر شد. کیستر در مقاله خود ابتدا داستان بنی قریظه را به تمامی بیان می کند و به آثار متعددی از مستشرقان و قضاوت آنها در مورد این حادثه ارجاع می دهد.^{۴۰} تلاش کیستر در رد استدلال های عرفات است. کیستر به نوشته فردی به نام زید اشاره می کند که استدلال های عرفات را در مقاله جداگانه دیگری بیان داشته است.^{۴۱} بعد از ذکر این مقدمات کیستر به ترتیب ادعاهای عرفات را ذکر و آنها را رد می کند. کیستر به استناد فقیهان در انتها به داستان بنی قریظه اشاره می کند: نکته ای که عرفات نبود آن را دلیلی برای جعلی بودن این داستان دانسته بود. شافعی، قدیمی ترین فقیهی است که به این ماجرا اشاره کرده و حکم فقهی خود را بدان مستند نموده است.^{۴۲} در ادامه، کیستر تمام موارد مورد اشکال عرفات را رد کرده است.^{۴۳} بعد از این موارد کیستر تحلیل خود را از ماجرا ارائه می دهد. به نظر وی قوت اقتصادی بنی قریظه نسبت به دو قبيلة دیگر اخراج شده، عامل مهم تری در برخورد با آنها بوده است. او در نتیجه گیری خود می نویسد:

تقسیم زمین و اموال بنی قریظه بین مهاجران، اوضاع آنها را در مدینه بهبود بخشید و آنان را در به دست آوردن استقلال اقتصادی یاری رساند. نیروی نظامی مدینه تقویت گردید. و این به مدد سلاح هایی بود که از پول حاصل از فروش زنان و کودکان اسیر شده به عنوان برده، به دست آمده بود.^{۴۴}

کیستر با همین رهیافت کوشیده است تا علت برخورد پیامبر با بنی نضیر را تبیین کند.^{۴۵} وی در مقاله ای با عنوان «لشکرکشی بئر معونه»^{۴۶} ضمن بررسی تفصیلی این ماجرا و روایات ناظر به این حادثه، در آخر بیان می دارد:

پیامبر برای پرداخت فدیة دو فرد کلبی که به اشتباه به دست اصحابش کشته شده بودند، از بنی سلیم و بنی صعصعه برای پرداخت فدیة کمک خواست، اما آنها پیامبر را یاری نکردند. بعد از آن پیامبر از بنی نضیر برای تهیه پول کمک خواست و این، باعث ستیز بین پیامبر و بنی نضیر و در نهایت تبعید آنها گردید. (همان، ص ۳۵۷).

در جمع بندی کلی از نظر کیستر جنبه های اقتصادی عاملی مهم در برخورد پیامبر با یهود بوده است. با وجودی که قدرت اقتصادی یهود در مدینه و شبه جزیره عربی مهم بوده است، اما به نظر نمی رسد این تنها عامل برانگیزاننده پیامبر در حمله به آنها بوده باشد. در مورد قتل کعب بن اشرف همان گونه که روبین نیز اشاره کرده، وی کوشیده بود برخلاف عهدنامه مدینه با مخالفان پیامبر، یعنی قریش، توافقاتی بر ضد پیامبر منعقد سازد. بعد از بستن چنین پیمان هایی بود که پیامبر دستور قتل کعب را داد. ظاهراً کعب به سبب عقد قرارداد با قریش پس از جنگ احد، قصد داشت تا قدرت را در مدینه از پیامبر بریابد و در این راه تمام تلاش خود را به کار بست.

توجه به جنبه های اقتصادی در تحلیل برخی برخوردهای بین

پیامبر و مخالفانش - اعم از یهود و قریش - تنها در آثار کیستر مورد توجه قرار نگرفته است. فرد. م. دونر (Fred McGraw Donner) در مقاله‌ای با عنوان «مواد غذایی مکه و تحریم پیامبر» نیز با چنین رهیافتی دست به تحلیل روابط پیامبر با قریش بعد از جنگ خندق زده است.^{۳۸} پرسشی که وی طرح کرده این است که پیامبر بعد از جنگ خندق در سال‌های پنجم تا هشتم هجری به چه تدابیری دست یافت که توانست مکه را بدون خون‌ریزی و به کارگیری قدرت نظامی از پای در آورد؟

دونر در بررسی خود به ذی ذرع بودن مکه اشاره کرده و بیان می‌دارد مکه برای تأمین نیازهای خود به خارج وابسته بوده است. یکی از مهم‌ترین این مراکز طائف بود. وجود روابط بازرگانی بین مکه و قبیله ثقیف ساکن طائف، در منابع، مورد تأیید است. مرکز مشابه دیگر یمن بود که گندم مکه را تأمین می‌کرد. خیبر نیز یکی از دیگر مراکز مهم بود که قریش به کمک آنها نیازهای غذایی خود را تهیه می‌نمود. این مراکز همگی تا سال هشتم هجری مجبور شده بودند در روابط خود با قریش تجدید نظرهای اساسی بکنند (همان، صص ۲۵۳ - ۲۵۲). روابط بازرگانی قریش با سوریه و مصر نیز که در تأمین غلات مکه و دیگر نیازمندی‌های آنها نقشی مهم داشته است، عملاً متوقف شده بود (همان، ص ۲۵۴).

دونر همچنین در مقاله دیگری با عنوان «استوار سازی سیاست پیامبر تا زمان فتح مکه در شبه جزیره عربی»،^{۳۹} سیاست پیامبر را در پی‌ریزی حکومت مدینه و استوارسازی آن تا زمان وفاتشان در سال ۱۱ ق / ۶۲۳ م. بررسی کرده است. فتح مکه در سال هشتم هجری در این میان نقشی مهم ایفا نمود. دونر می‌گوید نکات مهمی در این باره وجود دارد. مثلاً این سؤال مطرح است که چگونه پیامبر توانست بر قریش فایز آید. هدف وی در نوشتارش تحلیل و ارائه جوابی به این سؤال است. تلاش پیامبر را در استوارسازی قدرت سیاسی‌شان، در سه جهت می‌توان بررسی کرد:

۱. چیرگی بر مدینه؛
 ۲. نبرد با مشرکان؛
 ۳. تلاش برای سیطره یافتن بر دیگر تیره‌های قبایل و به طاعت درآوردن دیگر قبایل و تشویق آنها به قطع ارتباط با قریش.
- با وجود آنکه جسته و گریخته این نکات مورد بحث قرار گرفته‌اند، اما تفسیری منسجم از آنها ارائه نشده است. دونر در بخش نخست مقاله خود (چیرگی بر مدینه) به فایز آمدن پیامبر بر کفار مدینه، تیره‌های عمده قبایل یهود (بنی قریظه، بنی قینقاع و بنی نضیر و...) اشاره نموده است. چیره شدن پیامبر بر این سه قبیله یهود تا پایان سال پنجم هجری، قدرت ایشان را در مدینه به خوبی استوار ساخت.

ونسبک در کتاب خود با عنوان پیامبر و یهود مدینه می‌گوید: پیامبر از آن‌رو نخست بنی قینقاع را از مدینه بیرون راند، که این قبیله به صورت پراکنده در مدینه سکنا داشت. گرچه دونر بیان می‌کند علت دیگری نیز وجود داشته و آن روابط تجاری بنی قینقاع با مکه است که آنها را به ادامه همکاری تجاری با قریش وا می‌داشت. در ادامه وی از

علت‌های احتمالی اخراج دو قبیله دیگر یهودی نیز سخن گفته است. جنگ خندق نیز چیرگی پیامبر در مقابل قریش را تقویت کرد، اما برخورد ایشان با قبایل دیگر نیاز به بررسی بیشتری دارد. سقوط مکه، باعث گسستن هم بستگی میان مکه با قبایل هم پیمان شد، با این حال برخی از این قبایل هنوز چندان ضعیف نگشته بودند.

پس از این نکته، وی به روش پیامبر در برخورد با قبایل، به خصوص تمیم و تیره مهم آن فزاره و رهبرش عیینه بن حصن فزاری پرداخته است. صلح حدیبیه نیز در این بین نقشی مهم در تقویت قدرت پیامبر بر قبایل ایفا کرد. در حقیقت بعد از صلح حدیبیه پیامبر شاهرگ اقتصادی مکیان، یعنی خیبر را برید و این خود باعث شد تا سقوط مکه شتاب گیرد.^{۴۰}

کیستر خود در مقاله‌ای با عنوان «خدایا عرصه را بر مضر تنگ گردان؛ نکاتی از ابعاد اقتصادی، سیاسی و دینی حدیثی قدیمی»، به بررسی جنبه‌های سیاسی، دینی و اقتصادی این حدیث پرداخته است.^{۴۱}

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، کیستر در پاره‌ای از پژوهش‌های خود، این نکته را نشان داده که برخی احادیث بازتاب اوضاع زمان خود هستند. نمونه‌ای از این بررسی‌ها، همین مقاله اوست.

کیستر در این تحقیق با بررسی پیش زمینه‌های این حدیث سعی در تحلیل روابط بین پیامبر و مکه در سال‌های بعد از جنگ خندق دارد. ستیز بین پیامبر و نیروهای مکی، نتایج اعمال نظامی و اقتصادی پیامبر بر ضد مکه و قبایل هم پیمان آنها، در تفسیر آیه ۱۱۲ سوره نحل انعکاس یافته است. از ابن عباس، مجاهد، و قتاده نقل شده است که این، آیه به سال‌های قحطی مکه اشاره دارد. مکیان همچنین از حمله پیامبر و اصحابش به کاروان‌هایشان در هراس بودند. این حوادث زمانی رخ داد که پیامبر به مضر نفرین کرده بودند.^{۴۲}

روایت مفصل‌تر را ثعلبی در تفسیر خود بیان داشته است (نسخه خطی واتیکان، نسخ عربی شماره ۱۳۹۴ برگ الف ا). قریشیان هفت سال در معرض گرسنگی قرار داشتند و قبایل عرب در پی دستور پیامبر، از انتقال مواد غذایی به مکه خودداری می‌کردند.^{۴۳} هیأتی مکی - از جمله ابوسفیان - به مدینه رفتند و اوضاع دشوار خود و گرسنگی کودکان خویش را برای پیامبر بازگفتند. در پی این گفت و گو پیامبر برای آنها دعا کرد. این در حالی بود که قریش هنوز در کفر به سر می‌برد (فدعا لهم رسول الله و اذن للناس بحمل الطعام الیهم و هم بعد مشرکین). این خبر به روشنی وضع ایجاد شده در مکه را در پی سخن پیامبر بر آنها بیان می‌دارد.

نکته‌ای که در این منقولات دقیقاً بیان نشده، زمان نفرین پیامبر بر مضر است. تلاش بعدی کیستر در این مقاله، ارائه زمان بیان این گفته است. با وجودی که از سال اول هجری کاروان‌های مکی امنیت خود را در راه تجارت به شام و مصر از دست داده بودند، هنوز مراکز جنوبی عربستان و حبشه و ارتباط با این قبایل، مکیان را قادر ساخت تا تجارت خود را ادامه دهند. جنگ خندق در سال پنج هجری و جمع

آوری سپاه ده هزار نفری دلالت بر این دارد که قریش - یا به عبارت دیگر مکیان - هنوز قدرت سیاسی را در شبه جزیره در دست داشته‌اند. نتیجه کیستر از تحقیق خود این است که زمان معقول برای بیان این گفته پیامبر بعد از سال‌های پنجم و ششم هجری است. وی شواهدی دال بر این نظر ذکر کرده است (همان، صص ۲۵۲-۲۵۳).

در تکمیل کار کیستر و نوشته فرد دوتر، آروی روبین در مقاله‌ای با عنوان «نفرین پیامبر بر مضر»،^{۴۸} با مراجعه به تفاسیر قرآنی، نکاتی دیگری از این مسئله را با تکیه بر آیات ذکر شده ناظر به این ماجرا نوشته است.

از دیگر فعالیت‌های کیستر باید به توجه وی به پاپیروس‌های عربی چاپ شده توسط رینهارت و... اشاره کرد. کیستر در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «نکاتی در مورد پاپیروس ناظر به روایت دیدار عقبه»، مطالبی در مورد قرائت صحیح برخی فرازهای متن چاپ شده، بیان داشته است.^{۴۹} همین گونه وی در مقاله‌ای برخی اشکال‌های در قرائت پاره‌ای از مطالب منقول از کتاب *الرده و تیمه* در کتاب *الاصابه* را که *و. هونرباخ W. Hoenerbach* گردآوری کرده، در مقاله‌ای با عنوان نکاتی در مورد اشعار حادثه رده بیان داشته است.^{۴۹}

آنچه تا به حال بیان شد، مهم‌ترین مطالبی است که به همت محققان این مرکز انتشار یافته است. در ذیل به برخی آثار دیگر محققان سیره اشاره می‌گردد.

برخی مطالب این بخش، از کتاب «تاریخ اسلام، چارچوبی برای تحقیق» برگرفته شده است. این کتاب در حال حاضر متن درسی و کتاب مرجع برای مطالعات تاریخ اسلام می‌باشد. چاپ تجدید نظر شده‌ای از این اثر نیز به تازگی منتشر شده است.^{۴۷} برخی نکات تکمیلی نیز بر مطالب نقل شده افزوده شده است.

قانون نامه مدینه

در پی مهاجرت پیامبر به مدینه، وضعیت جدید ایجاب می‌کرد ایشان تدابیری برای حفظ آرامش مدینه انجام دهند. یکی از این تدابیر، عقد پیمان‌هایی با قبایل و از جمله قبایل یهودی شهر بود.^{۴۸} این عهدنامه در مطالعات غربی به قانون نامه مدینه (*of Medina The Consitution*) ترجمه شده و مطالعاتی چند درباره آن انجام شده است. ولهاوزن در ارزیابی خود از متن این عهدنامه متذکر می‌گردد که:

۱. جاعل این عهدنامه خط سیری از حوادث دوره بعدی را باز می‌نماید؛ یعنی زمانی که جامعه اسلامی نمی‌بایست در برگیرنده غیر مسلمانان باشد، قبیله قریش - که تمامی خلفا از آن بوده‌اند - دشمنان سرسخت پیامبر معرفی نشده‌اند، بلکه تأکید بیشتر بر شأن محمد - صلی الله علیه و آله - به عنوان پیامبر خدا است.

۲. متن آکنده از واژه‌های تشریح نشده است که تنها برای معاصران می‌توانسته معنی داشته باشد.

۳. به نظر می‌رسد که متن، بازتاب قوانین قبیله‌ای مدت‌ها قبل از گسترش فقه اسلامی باشد.

با وجود این، تحقیق ولهاوزن (*Wellhausen*) با عنوان *Muhammad Gemeindeordnung von Medina*

(1889 in *Skizzen und vorarbeiten Iv*)، را نخستین اثری باید دانست که به بررسی این مسئله دست یافته است. بعد از وی لئون کایتانی (*Leone Caetani*) در اثر مشهور خود با عنوان *Annali dell'Islam*، ج ۱، صص ۳۹۱ - ۴۰۸ و آرنست جی ونسیک (*A. J. Wensinck*) در اثر تک نگارانه خود با عنوان *ende Joden te Medina (1928) Mohammed* صص ۷۳ - ۹۸ این مسئله را بررسی کرده‌اند.^{۴۹} پس از آن وات در کتاب خود با عنوان *محمد در مکه* (صص ۲۲۱ - ۲۶۰) مطالبی در این باب بیان داشته است. مفصل‌ترین مطالعه در مورد عهدنامه کارهای سرچنت (*R. B. Serjeant*) می‌باشد. وی در دو مقاله جداگانه با عنوان‌های «قانون نامه مدینه»^{۵۰}، «سنه، جماعه؛ قراردادهای منعقد شده با یهودیان مدینه و تحریم یشرب، تحلیل و ترجمه‌ای از اسناد مشهور به «قانون نامه مدینه»^{۵۱} را به چاپ رسانده است. پس از وی موسی گیل (*Gil Moshe*) در مقاله‌ای با عنوان «قانون نامه مدینه؛ بازنگری در مورد آن»، نکاتی چند درباره این قانون نامه بیان داشت. از نظر وی این قانون نامه تنها یک سند است، برخلاف سرچنت که آن را تشکیل شده از هشت سند می‌داند.^{۵۲} آروی روبین نیز در مقاله‌ای با عنوان «نکاتی چند در مورد قانون نامه مدینه» به بررسی این مسئله پرداخته است.^{۵۳} اکیرا گوتو (*Goto A.*) در نوشتاری با عنوان *قانون نامه مدینه نکاتی در مورد این قانون نامه بیان کرده*. این مقاله به فارسی ترجمه شده است.^{۵۴}

مهم‌ترین نکته‌ای که در این تحقیقات مورد توجه قرار گرفته، این است که آیا متن، تشکیل شده از چند عهدنامه است یا تنها یک عهدنامه. سرچنت که عهدنامه را مرکب از هشت سند می‌داند، با تفکیک آنها، نکات سودمندی درباره متن عهدنامه بیان داشته است.^{۵۵} گیل بدون ارائه دلیلی این متن را مرکب از یک عهد نامه می‌داند (همان، صص ۴۷ - ۴۸). همچنین برخی تردیدها را که گیل در مورد انعقاد پیمان با یهودیان ابراز نموده، میخائیل لکر در مقاله‌ای با عنوان «آیا پیامبر با یهودیان پیمانی منعقد کرده یا خیر؟» ارزیابی کرده است. به نظر لکر با وجود ضعیف بودن روایت ناظر به قانون نامه مدینه و انعقاد قراردادی با یهودیان، وجود آن با توجه به شرایط و لزوم موضع‌گیری پیامبر در برابر گروه‌های مختلف در مدینه کاملاً محتمل است. وی می‌گوید: بندی که در آن عهدنامه به عدم تعرض هر یک از دو طرف به دیگری اشاره شده، تنه‌بندی است که می‌توانیم از بودنش در آن قرارداد اطمینان داشته باشیم. در حقیقت، این بند نخستین موضع پیامبر را در برابر یهود نشان می‌دهد.^{۵۶}

نگاهی به پژوهش‌های میخائیل لکر

از دیگر محققان دانشگاه حبرو، میخائیل لکر (*Lecker Mechael*) پژوهش‌های خود را به سیره، با تکیه بر نقش یهود در شبه جزیره عربی اختصاص داده است. مجموعه‌ای از مقالات وی در

مورد یهودیان مدینه با عنوان «مسلمانان، یهود و مشرکان، مطالعاتی در تاریخ آغازین مدینه» در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسیده است.

از آن جایی که دست یابی به این کتاب میسر نگردید، گزارش ارائه شده ذیل، تنها بر دو معرفی کتاب در مورد اثر فوق مبتنی است. روبرت هویلند (Robert Hoyland) در معرفی این تحقیق نوشته است:

این کتاب اثر مقدماتی است که لکر معتقد است پیش از نگارش اثری جامع دربارهٔ حیات پیامبر می‌بایست انجام شود. با وجودی که وی اثر تک نگاری قبلی خود را به قبیله‌ای خاص معطوف داشته بود (بنی‌سلیم، بیت المقدس، ۱۹۸۹) تمرکز در این نوشتار بر منطقه‌ای جغرافیایی، یعنی بخش العالیه در جنوب مدینه است. فصل اول توصیفات جغرافیایی این منطقه را در بر دارد (باغستان‌ها و قلعه‌ها). فصل دوم به ساکنان این منطقه و روابطشان با پیامبر و اسلام می‌پردازد. فصل سوم تحقیقی دربارهٔ یکی از روستاهای این منطقه، یعنی قبا و تحرک تیره‌های ساکن در آن‌جاست. فصل آخر پژوهش‌هایی است از واقعه‌ای که در قبا رخ داده بود؛ یعنی ساخت و تخریب مسجد ضرار.

بعد از ذکر خلاصه کتاب لکر، هویلند بحث خود را متوجه مسئله وثاقت متون کرده، می‌نویسد:

هیچ اثری جدی در باب سیره نمی‌تواند مشکل نقد منابع را در نظر نگیرد. سرچنت در مرور خود بر کتاب کروان، تجارت مکه و ظهور اسلام^{۳۶} می‌نویسد:

ما تحقیق خود را با این پیش فرض آغاز می‌کنیم که روایت، درست و صحیح است و خبر از واقع می‌دهد تا زمانی که به نحو قابل قبولی نشان داده شود روایت جعلی و نادرست است. رهیافت کاملاً متفاوت را ساخت بیان داشته است. به نظر وی هر حدیث فقهی از پیامبر تا زمانی که خلافش ثابت نگردد، نباید صحیح یا اساساً درست تلقی گردد، حتی اگر اندکی ابهام باشد که خبر صحیح است یا از زمان پیامبر و صحابه‌اش می‌باشد؛ زیرا اظهار نظر در باب عقاید فقهی در بعد شکل گرفته است.^{۳۷}

رهیافت لکر و اساساً دیگر شاگردان کیستر بر نظر گروه نخست مبتنی است. لکر معتقد است که می‌توانیم بنیاد ثابتی از واقعیات را پدید آوریم (لکر، یهود، مسلمانان و مشرکان، ص ۴۹). از این حیث وی بازتاب دهندهٔ دیدگاه‌های وات و دیگران است. روش وی جمع آوری اخبار پراکنده و کنار هم قرار دادن آنهاست؛ مثل کنار هم قراردادن قطعات یک جورچین (پازل) که در نهایت یک تصویر کامل را در اختیار ما قرار می‌دهد.^{۳۸}

مرور دیگر بر این کتاب را آندور ریپین (A. Rippin) نگاشته است. وی ضمن ارائه فشرده‌ای از محتوای کتاب، به نکات دیگری اشاره کرده که هویلند از آنها سخن نگفته است. ریپین تذکر می‌دهد که منبع مهم لکر در این تحقیق خود کتاب وفاء الوفاء، نگاشته سمهودی است که از متونی سود جسته که امروز در اختیار ما نیستند. منطقهٔ عالیه، محل سکونت قبایل بنی‌نضیر و بنی‌قریظه بوده و دو

تیرهٔ اوس الله نیز در آن‌جا اقامت داشته‌اند. این دو قبیله تا بعد از جنگ خندق در سال پنجم هجری اسلام نیاوردند و قبل از آن نیز هم‌پیمان یهود بودند. بحث از ماجرای مسجد ضرار، از مباحث مهم این نوشتار است. در تحلیل این ماجرا، لکر عبارتی از تفسیر مقاتل بن سلیمان نقل می‌کند که در این مورد حاوی نکات جدیدی است.^{۳۹} تحلیل نهایی لکر از مسئلهٔ ساخت مسجد ضرار این است که:

مسجدی که در منابع اسلامی به نام مسجد ضرار شناخته می‌شود، تنها محلی برای گردهم آمدن هواداران ابوعامر نبوده است، بلکه نمادی از استقلال قبایل‌شان و جدایی آنها از قلمرو حکومتی پیامبر... بوده است (لکر، همان، ص ۱۴۶).

سواى این دو تحقیق، لکر مقاله‌هایی چند نیز در حوزهٔ سیره با همان نگرش به وضع «یهود نگاشته است. وی در مقاله‌ای با عنوان «زمان درگذشت پدر پیامبر، آیا واقدی مدرکی را جعل کرده است؟» نکاتی در مورد وثاقت متون بیان داشته است.^{۴۰}

در این مقاله وی به مقایسه‌ای بین واقدی (م ۲۰۷ ق) و ابن‌اسحاق (م ۱۵۰ ق) پرداخته است. لکر می‌گوید: پیشتر مایکل کوک به تفاوت‌هایی بین روایت واقدی و ابن‌اسحاق اشاره کرده است. خلاصه‌ای از یافته‌های کوک چنین است:

ابن‌اسحاق خبر می‌دهد که عبدالله، پدر پیامبر در حالی درگذشت، که همسرش باردار بود. گرچه در جایی دیگر از خبرش می‌گوید: خبر صحیح‌تر آن است که پدر پیامبر در زمانی درگذشت که پیامبر کودکی ۲۸ روزه بود.

معمربن راشد (م ۱۵۴ ق) - البته اگر بپذیریم آنچه نقل کرده، گفتهٔ خود اوست - می‌گوید: پدر پیامبر در زمانی درگذشت، که پیامبر در رحم مادرش بود، و گزارشی از احوال وی ارائه می‌دهد که: عبدالله، پدر پیامبر برای فروش خرما به یثرب فرستاده شده بود و در آن‌جا درگذشت. همچنین از دو فقیه دیگر این نسل، مؤلفان سیرهٔ قرن نهم میلادی نقل می‌کند: پدر پیامبر زمانی درگذشت که وی ۲۸ روزه بود. نتیجه‌ای که از سخنان می‌توان گرفت این است که فقیهان نیمهٔ نخست قرن هشتم میلادی نظرشان بر این است که پدر پیامبر درگذشت، در حالی که وی کم سن بود. همچنین پیامبر کودکی یتیم بوده و به دیگر جزئیات امر خدا عالم‌تر است.

اما از اواخر قرن هشتم میلادی، واقدی نظریات دیگری طرح کرد. وی می‌دانست که عبدالله برای تجارت به غزه رفته و در آن‌جا بیمار شده و در راه برگشت، در یثرب وفات یافته است. واقدی حتی سن عبدالله را در هنگام وفات و محل دقیق دفن وی را بیان کرده است. طبیعتاً او حتی می‌دانست که حادثه کی رخ داده است؛ یعنی دقیقاً زمانی را که پیامبر در رحم مادرش بود. گرچه واقدی این را می‌دانست که این، تنها روایت نقل شده نیست، اما آن را برگزید. این تحول در طی نیمهٔ نخست قرن، موضوع جالبی است و در حقیقت نوعی داستان‌سرایی را نشان می‌دهد.^{۴۱}

بعد از بیان نتیجه‌گیری کوک، لکر خود فرضیه‌ای دیگر پیشنهاد می‌کند و آن تناوم تحول در نقل روایات است. سپس به اختصار روند

شکل‌گیری تاریخ‌نگاری اسلامی را این‌گونه بیان می‌دارد:

در قرن اول افراد، تنها به خاندان‌های خود علاقه نشان می‌داده‌اند و آثار معدودی، چه به نحو مکتوب یا شفاهی، بر جا نهادند. در مرحله بعد، کار، تدوین این اخبار پراکنده و تلفیق آنها بود. در مرحله دوم که از اواخر قرن اول و تا پایان قرن دوم طول کشید، کسانی چون زهری (م ۱۲۴ ق) و ابن اسحاق (م ۱۵۰ ق) و واقدی (م ۲۰۷ ق) و... به فعالیت مشغول بودند.

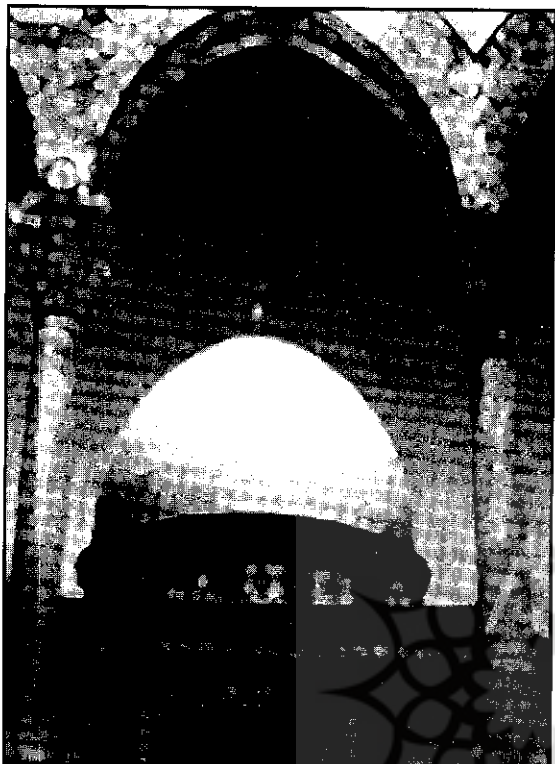
لکر سپس به تفصیل به مقایسه روایات بین واقدی و ابن اسحاق در مورد این حادثه (زمان وفات پدر پیامبر) پرداخته است. وی علاوه بر استفاده از آثار این دو، از دیگر نوشته‌های تاریخی، حدیثی نیز سود جسته است و کار خود را با روایت واقدی که ابن سعد (شاگرد واقدی) نقل کرده، آغاز نموده است. روایات منقول از زهری را از کتاب مصنف عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ ق) بیان شده است. نظر بر این است که بخش‌هایی از این کتاب که به ذکر مغازی و حیات پیامبر پرداخته، همان مغازی تحریر شده به دست زهری است.

بعد از مقایسه روایات، لکر - برخلاف کوک - نتیجه می‌گیرد که تردید ابراز شده در تحقیقات جدید مبنی بر جعلی بودن روایات واقدی، نادرست است. تنها تفاوت واقدی و ابن اسحاق، در ذکر بخشی از روایت یا روایات مختلف است.

نمی‌توان این نوشته را به پایان برد و نامی از اثری مهم که به نازگی چاپ شده است به میان نیاورد. این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی است از سری آثاری که با هدف تدوین متون تحقیقی کلاسیک اسلامی، صورت گرفته و با عنوان حیات محمد (ص) به ویراستاری اروی روبین چاپ شده است.^{۱۳} این کتاب دربردارنده مقاله‌های مشهور نگاشته شده به دست اسلام‌شناسان مختلف است. به برخی از این آثار بیشتر اشاره کردیم؛ به همین دلیل در این جا تنها به مقالاتی که از آنها سخن نرفته است، می‌پردازیم.^{۱۴} از آن جایی که این آثار بیشتر در مجلات اسلام‌شناسی چاپ شده‌اند، به هنگام معرفی آنها به مآخذ نخستین که این نوشته‌ها در آن به چاپ رسیده است، برای سهولت دست‌یابی خوانندگان، اشاره خواهد شد.

«روایت واقدی در مورد وضع یهود مدینه: مطالعه روایت ترکیبی»،^{۱۵} نوشته میخائیل لکر به بررسی روایت واقدی در مورد یهود می‌پردازد. نظر لکر آن است که روایتی که واقدی به هنگام قتل کعب اشرف آورده، خبری ترکیب شده از چند خبر دیگر می‌باشد. بخشی از خبر واقدی را ابو الفرج اصفهانی در کتاب خود، الاغانی آورده، اما مأخذ خود را معرفی نکرده است. متن کامل این روایت را بیبھی نیز در دلالات النبوة آورده است. تلاش لکر برای یافتن این منبع می‌باشد.

مقاله‌های بخش دوم که به حوادث ایام زندگانی پیامبر پرداخته، مجموعه‌ای است از مقالات لارونس ای کنراد، م. ج. کیستر، مبلکوس مورینی (Miklos (Muranyi)، (Melamede Gertrud) و هوتینگ و فروخ بن علی و چند نوشته معرفی شده در قبل. کنراد در مقاله خود به بررسی زمان تاریخ تولد پیامبر پرداخته است. اهمیت این نکته در این است که با استناد به تواریخ متعدد برای



زمان تولد پیامبر و ناهمخوانی آن با شواهد دیگر، وثاقت متون اسلامی مورد سؤال قرار گرفته است.

کنراد با اشاره به این مطلب می‌گوید نمونه‌ای از این مشکلات برای پذیرش وثاقت متون اسلامی، رخ داد سال عام الفیل و حمله ابرهه به حجاز است. در روایات عربی تاریخ دقیقی برای این حادثه ذکر نشده است. از طرف دیگر ادعا شده است که پیامبر در سال عام الفیل متولد شده و وحی را در سن چهل سالگی دریافت کرده است. در نظر متداول، زمان مبعث پیامبر سال ۶۱۰ م. و حمله ابرهه در حدود ۵۷۰ م. فرض می‌شود. در حالی که این زمان‌ها با مطالب غیر اسلامی و حتی برخی روایات اسلامی تطبیق ندارد. به این نکته کسانی چون نولدکه، لامنس و... اشاره کرده‌اند. کشف کتیبه‌ای در مرغیان توسط رایسمان که به Ry ۵۰۶ مشهور است، این سؤال را به وجود آورده که آیا حمله ذکر شده در این کتیبه همان حمله ابرهه است یا حمله‌ای دیگر. در ادامه کنراد به بررسی این حادثه پرداخته است.

مورخ یونانی، پروکیپوس، خلاصه‌ای از شرح حال ابرهه را ذکر نموده و از قدرت‌یابی و شورش وی بر حبشیان یاد کرده است. این مطلب گرچه از دیر باز برای مورخان شناخته شده بوده اما بخشی از عبارت پایانی روایت پروکیپوس یعنی عبارت «در زمانی متأخر» در ذکر شرح حال ابرهه مورد توجه کافی قرار نگرفته است. مفهوم این جمله آن است که وی به حوادث رخ داده در مورد ابرهه بعد از سال ۵۴۵ م. اشاره دارد؛ زمانی که این بخش از کتاب خود را می‌نوشته یا حداقل بعد از ۵۵۰ - ۵۵۱ م، که وی جلد نخست اثر خود را منتشر کرده است.

بر این اساس تاریخ حمله ابرهه را اندکی قبل از ۵۵۵ م می‌توان تعیین نمود. این تاریخ با زمانی که در کتیبه رایسمان ۵۰۶ م ارائه شده، تقریباً تطابق دارد. کتیبه مرغیان حمله‌ای را وصف می‌کند که در آن بخشی از لشکر ابرهه حمله‌ای را در حجاز انجام داده بودند و از اتحادیه عامر بن صعصعه در تربه، در صد کیلومتری طائف شکست خورده بودند. تاریخ حمله ابرهه برابر با ۶۶۲ حمیری (۵۵۲ میلادی) بنا بر نوعی شیوه محاسبه یا ۵۴۷ م. بر اساس شیوه محاسبه عرفان شهید می‌باشد. در هر حال تاریخ این کتیبه فراتر از ۵۵۴ م. نیست؛ زیرا در آن از حاکم لخمی، منذر بن ماء سماء که در سال ۵۵۴ م به قتل رسیده، سخن رفته است. اگر این حمله همان لشکر کنشی ابرهه باشد، روایت کتیبه با نقل پروکیپوس تطابق دارد.

در پژوهشی که م. ج. کیستر نیز انجام داده و در آن از متون ادبی نیز سود جسته است، شواهد سال ۵۵۲ م. را تأیید می‌کند.^{۱۶} بخشی از این مشکلات در تعیین زمان حمله ابرهه، ناشی از نبود یک سیستم زمانی متداول در شبه جزیره عربی است. این نظریه حتی در مورد مناطق جنوب عربستان نیز صادق است؛ مناطقی که گمان بر این بوده دارای نوعی سیستم زمانی بوده‌اند. در حالی که تحقیقات اخیر نشان داده که در این مناطق نیز چنین نبوده است؛ گرچه در بین قبایل شمالی شبه جزیره عربی توجه بیشتری به مفهوم زمان وجود داشته است. این راسمی توان از توجه آنها به ایام العرب یافت. کنراد سپس به شیوه زمان‌بندی حوادث در جامعه عربی اشاره کرده که هر حادثه مهمی را مبدأ زمانی قرار می‌داده‌اند. نتیجه‌ای که کنراد از تحقیق خود می‌گیرد آن است که عدد چهل ذکر شده در روایات ناظر به سن پیامبر در هنگام تولد را باید نمادین گرفت. همان‌گونه که کاپتانی و گلدتسیهر اشاره کرده‌اند، عدد چهل در منقولات اسلامی غالباً در معنی «بسیار» به کار رفته است. برای مثال عمرو بن عاص به عمر در مورد فتح اسکندریه چنین نوشته است:

من شهری را فتح کردم که در مورد آن تنها می‌توانم بگویم که ۴۰۰۰ خانه، ۴۰۰۰ حمام و ۴۰۰۰۰ یهودی وجود داشته است که بر آنها پرداخت ذمه را واجب ساختم.

اخبار مشابهی نیز نقل شده است که در آنها از ۴۰۰۰۰ جنگجو یا ۴۰۰۰ هزار اسب سوار در کوفه یاد شده است.

مقاله بعدی این مجموعه را با عنوان «فرزندان خدیجه»، کیستر به رشته تحریر درآورده است.^{۱۷} کیستر در این نوشتار سعی در تحلیل برخی اخبار متعارض درباره حیات پیامبر دارد. مقاله مورینی به نخستین مسلمانان مکه و این سؤال می‌پردازد که آیا دین جدید بر پایه نیاز به تغییر اجتماعی بوده یا خیر؟^{۱۸}

مقاله بعدی به بررسی روایات ناظر به ماجرای عقبه می‌پردازد و مؤلف آن گرت رود ملامد است.^{۱۹} صلح حدیبیه و روایات ناظر به آن، موضوع دو مقاله ملامد بعدی این مجموعه‌اند.^{۲۰}

سه مقاله بعدی این مجموعه بازتاب نگاه کلاسیک محققان اسلامی در اوایل قرن بیستم است. در مقاله اول با عنوان «فزونگی افسانه محمد»، هورویتز به بررسی معجزات بیان شده در متون

اسلامی که پیامبر انجام داده‌اند، می‌پردازد. این مقاله بیشتر تمایل دارد این معجزات را اقتباس‌هایی از کتب اهل کتاب بداند.^{۲۱}

هربرت بوسه در مقاله خود ضمن بررسی مسئله معراج پیامبر، به بحث از بیت‌المقدس در روایات ناظر به معراج پیامبر می‌پردازد. نوشته بعدی اثری از ونسیک با عنوان «محمد و انبیاء» است.

آخرین نوشته کتاب، در حقیقت یکی از معدود مقاله‌های نگاشته شده در حوزه اسلام و مدافعات مذهبی مسیحیان و چگونگی تصویرگری اسلام در این گونه آثار است. آقای گریفیت، مؤلف مقاله، به خوبی شواهد موجود در این باره را گردآوری کرده است.^{۲۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱. یکی از معدود آثار فهرست نگارانه که نیم نگاهی به مطالعات غربی داشته، کتاب معجم ما آلف عن الرسول و اهل البیت، نوشته آقای عبدالجبار رفاعی (تهران، ۱۳۷۰) است. در جلد چهارم صفحه ۴۰۱ به بعد، عنوان برخی از این آثار ذکر شده است. نکته مورد توجه این کتاب، ارائه فهرست آثار چاپ شده در شبه قاره هند توسط مسلمانان است، گرچه منبع یا شاید مأخذی که این اطلاعات از آن اخذ شده، ارائه نشده است. اشکالاتی نیز در معرفی برخی آثار وجود دارد. همچنین در باره گزارش از روند سیره نگاری پیامبر در غرب ر. ک: کریمی نیا، مرتضی، «سیری اجمالی در سیره نگاری پیامبر اسلام در غرب»، مجله آئینه پژوهش، شماره ۶۸، صص ۲۴ - ۲۹. این نکته قابل ذکر است که توجه به سیره نگاری پیامبر در غرب با ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف آغاز گردیده است. بخش مهمی از آثار غربی مقدمه‌هایی هستند که بر ترجمه‌های قرآن نگاشته شده‌اند. مثلاً مترجم نامدار قرآن، به زبان چک، آقای ایوان هریک، در مقدمه ترجمه خود، مباحثی در مورد حیات پیامبر عرضه کرده است. نگارنده امیدوار است در فرصتی دیگر بتواند بررسی در مورد این ترجمه‌ها با تکیه بر این نکته ارائه دهد. همچنین در باره خلاصه‌ای از کار آقای هریک بنگرید به:

L. Hrbek, "The priod of muhammadu Lamin's

activities", in *Studies in West African Islamic History*, ed. J.R. Willis, London. Vol.1, pp:211-232.

۲. از آثار کتاب‌شناسی، در این مورد اثر ذیل مفید است، گرچه مؤلفان در مورد اغلب آثار تنها به ذکر محل چاپ و موضوع تحقیقات اشاره کرده‌اند:

Munawar Ahmad Anees and Alia N.Athar,

Guide to Sira and Hadith Literature in Western Languages, London(1980), pp:29-135

همچنین مقاله‌های ادبیات سیره (The Siarh Literatuere)

نوشته م. ج. کیستر و اشعار ادبیات سیره

(The Poetry of Sirah Literature) نوشته J.T. Monroe

و ادبیات مغازی (The Maghazi Literature) نوشته مارسدن جونز با وجود آنکه ویژگی کلی دارند، حاوی نکات قابل

تأملی هستند. برای مثال جونز در مورد کتاب البداية و النهاية، ابن کثیر می‌نویسد: «کتاب البداية و النهاية نوشته ابن کثیر، با وجود آنکه اثری متأخر است، اما مجموعه‌ای مهم از روایات و اقدی، ابن اسحاق، موسی بن عقبه و احادیث مرتبط با مباحث مغازی را از کتب حدیثی معتبر (صحاح سته) نقل کرده است». این آثار در اثر ذیل به چاپ رسیده‌اند:

Serjeant, R.B and etal(ed), Cambridge History of Arabic Literature, 1983.

تحریر کامل تری از برخی مقالات ذکر شد

خاصه مقاله کیستر و مقالات مفید دیگری را در اثر ذیل

بنگرید: Lawrence, I. Conrad(ed), Early Arabic Historiography, New Perspectives and Methodology, Princeton, 1993.

۳. در مورد برخی آثار نگاشته شده با این رویکرد و رهیافت ر.ک: کاهن، کلود: درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطا، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰. بخش عمده‌ای از نوشته گایگر از آلمانی به انگلیسی ترجمه شده و در اثر ذیل به چاپ رسیده است. در این اثر همچنین برخی دیگر از آثار کلاسیک شرق شناسان با تکیه به چنین رهیافتی درج شده است.

Ibn Warraq(ed), Classic Essays on Islamic Holy Book, Pormetheus Book, 1998, Chapter 3.

مقاله‌های درج شده در این کتاب علاوه بر نوشته

گایگر عبارت‌اند از:

Geiger, "Abraham, What Did Muhammad

Borrow from Judaism?"؛ Cuyler Torrey, Charles,

"The Sources of Islam"; W.St. Clair- Tisdall, "The

Jewih Fonditio of Islam".

در این مقالات (که عنوان های آن به ترتیب عبارت‌اند از:

آنچه پیامبر از یهود اخذ کرده است، سرچشمه های اسلام و بنیادهای یهودی دین اسلام) چنین رهیافتی در مورد خاستگاه اسلام بیان شده است. همچنین ز.ک: مقاله ذیل که مؤلفان آن تقدس مکه را متأثر از فرهنگ‌یهای رایج آن عصر و برخی مراکز موجود در نگو معرفی کرده‌اند:

Yehoda D.Nevo and Judith Koren, "The Origins

of The Muslem Discriptions of The

Jahili Meccan Sanctuary,"

JNES, 1.49(1990)pp:23-44.

جی. ر. هوتینگ (G.R.Hawting)

مقاله‌ای روایات ناظر به از دیده پنهان شدن چاه زمزم و کشف مجدد آن را بررسی کرده و آن را متأثر از سنت‌های رایج یهودی در مقدس دانستن اماکن شمرده است. ر.ک:

The Disappearance and Redicoverly

of Zamzam and The Well of The Kaba",

BSOAS, 1(1980)p:48ff.

۴. از آثار مهم هنری لامنس در حوزه مطالعات سیره، آثار ذیل

مهم‌ترند:

Lammens. H. "La Mecque a la veille de

lHagire", BIFAD, 14(1918)191-230.

Fatima et les Filles de Mahomet, Rom 1912.

Le Berceau de lIslam: l Arabie Occidetale a

la Veille de lHagire, Rom 1914.

همچنین بنگرید به این دو مقاله وی

لارونس ای کنراد (Lawrene I. Conrad) معرفی کرده و

در مورد آنها نوشته است: «خصوصیت لامنس نسبت به اسلام در هر

دو نوشتار امری واضح است، به خصوص مقاله نخست؛ با این حال

نکات قابل تأملی در آنها وجود دارد».

Lammens.H, "Qoran et tradition:

comment fut composee la vie de Mhomet",

Recherches de science religieuse, 1(1910)27-51;

Idem", L Age de Mahomet et ia chronologie de la

sira", Journal Asiatique, 10th

Series, 17(1911)pp:209-250.

در مورد فهرست کامل آثار لامنس بنگر

به: Index Islamicus, (۱۹۵۵-۱۹۰۵). درباره موارد دیگر

دیدگاه‌های اسلام شناسان این دوره ر.ک: خرمشاهی، بهاء‌الدین:

«مقدمه بر ترجمه قرآن»، مجله ترجمان وحی، شماره دوم، سال

۱۳۷۶، ص ۸۷ به بعد. در سراسر این نوشتار آثاری که به واسطه

منابع دیگر معرفی می‌شوند، مطالبی هستند که نگارنده خود به آنها

دسترسی نداشته، به همین دلیل مآخذ به طور کامل معرفی شده

است. درباره دو مقاله فوق بنگرید به:

Conrad.Lawrence.I, " Abraha and

Muhammad: Some Observations Apropos of

Chronology and Literary Topoi in The Early

Arabic Histoical Tradition", BSOAS, 2(1987)p:225 no.4.

۵. یکی از فعالیت‌های این مرکز برگزاری کنفرانس‌های بین

المللی با عنوان از جاهلیت تا اسلام می‌باشد. تا سال ۱۹۹۹، نهمین

نشست از این کنگره‌ها برگزار شده است. مجله‌ای با نام اختصاری

JSAI برای چاپ مقالات ارائه شده به این کنگره تاسیس شده

است.

۶. این را نمی‌توان انکار کرد که برخی محققان مراکز فلسطین

اشغالی در تحقیقات خود، دست کم به یهود و تاریخ آن، نگاهی

همدلانه دارند. تحقیق خانم هانه رحمان Hannah Rahman

در مقاله خود با عنوان «ستیزهای بین پیامبر و مخالفانش در مدینه،

۶۲ Der Islam از این گونه نوشته است. بخشی از مقاله وی به

برخوردهای پیامبر با یهود اختصاص داده شده است. وی نیز همانند

با کیستر و متأثر از مقالات وی به تحلیل‌های مشابهی در مورد

وضع اقتصادی یهود و علت نزاع پیامبر با آنها پرداخته است. برای

مثال در مورد بنی قینقاع وی به موقعیت مطلوب اقتصادی آنها و تسلط بر بازار مدینه اشاره کرده است. علت نزاع بین پیامبر با این قبیله یهودی از نظر نویسنده مقاله، تلاش پیامبر برای ساخت بازاری بوده که ایشان هنگام ورود به مدینه به آن اقدام کرده بودند، گرچه در این کار موفق نگردیدند. اخراج بنی قینقاع برای تأسیس بازار ضروری بوده است. همان، صص ۲۷۷ - ۲۸۰.

۷. این آثار معمولاً با عنوان *The Life of Muhammad* به چاپ رسیده‌اند. معروف‌ترین اثر در این زمینه کتابی با همین عنوان نوشته Sir William Muir است. در خصوص فهرستی از این آثار به نکات کتاب شناسانه‌ای که در ذیل توضیح داده شده، رجوع شود. ۸. در خصوص فهرستی از این آثار بنگرید به دائرة المعارف اسلام (E11) مدخل «محمد» که لیست آثار چاپ شده تا قبل از ۱۹۳۶م را در بر دارد. در مورد برخی آثار نوشته شده بعد از سال ۱۹۳۶م. نیز بنگرید به دائرة المعارف اسلام (E12) مدخل «محمد»، ج ۷ صص ۳۷۵-۳۷۶. در زمینه آثار نگاشته شده در قرون وسطا و تلقی آنها از پیامبر ر.ک: همان (E12) ج ۷، صص ۳۸۱ به بعد که فهرستی از متکلمان و مدافعه‌نویسان مسیحی از یوحنا ی دمشق تا سال ۱۸۹۰ را ارائه کرده است. همان، صص ۳۸۲b-۳۸۶.

۹. دائرة المعارف اسلام یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مرجع در مطالعات اسلامی است. چاپ نخست (E11) در چهار جلد همراه با تکمه‌ای با زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی منتشر شده است (۱۹۱۴ - ۱۹۳۸). این چاپ از حرف A تا Z را در بر دارد. چاپ دوم (E12) به دو زبان فرانسه و انگلیسی از سال ۱۹۵۴ منتشر شده است و در حال حاضر تا حرف T به چاپ رسیده است. همچنین تکمه‌ای بر آن به چاپ رسیده است و برخی مدخل‌های جا افتاده از این چاپ را در بر دارد. بر اساس چاپ اول آن، تلخیصی به نام *Shorter Islam Encyclopaedia* در سال ۱۹۵۳ توسط هامیلتون گیب و کرامر به چاپ رسیده است. ترجمه آلمانی آن توسط آرت. جی. ونسیک به نام *Worterbuch des Islam* در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسیده است. ر.ک: Hand R. S. Humphereys, op,cit, p: ۴.

مهم‌ترین منبعی که به کمک آن می‌توان فهرست کاملی از مطالعات غربی را در هر حوزه‌ای از جمله سیره به دست آورد، *Index Islamicus* به ویراستاری J.P. Pearson است و همکارانش می‌باشد. گرچه از جهاتی این اثر کاستی‌هایی دارد. برای مثال تا سال ۱۹۷۶ کتاب‌ها و آثار تک نگارانه در آن درج نشده است. در این مأخذ بجز برخی آثار ترکی به دیگر آثار شرقی مثل مقالات فارسی و اردو اشاره‌ای نشده است. مجلدی از آنکه در سال ۱۹۵۸ منتشر شده است، حاوی مقاله‌های چاپ شده از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۵۵م می‌باشد. چهار تکمه بعد از آن منتشر شده است و حاوی مقالات و تحقیقات منتشر شده بعد از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۰ است. از سال ۱۹۷۶ مجله *Quarterly Index Islamicus* نیز منتشر

می‌گردد. ولفنگ بهن در اثری با عنوان *Index ۱۹۰۵-۱۶۶۵ Islamicus* که در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسیده، فهرست آثار منتشر شده مطالعات اسلامی از سال ۱۶۶۵ تا ۱۹۰۵ را تهیه نموده است. این کتاب حاوی ۲۱۰۰۰ عنوان معرفی می‌باشد. از سال ۱۹۸۲ تاکنون، بهن مجله‌ای با عنوان *Islamic Book Review* منتشر می‌کند که تکمه‌ای بر مجله کواترنری اندیکس اسلامیکوز می‌باشد. با مراجعه به این آثار می‌توان مقاله‌ها و کتاب‌های فراوان نگاشته شده در حوزه سیره را یافت. ر.ک: PP: ۴, ۷ R. S. Humphreys, op. cit.

۱۰. برای مثال بنگرید به مدخل‌های «قرآن، مکه، حمص و...» در مورد برخی مطالعات غربیان در زمینه سیره بنگرید به: مدخل «سیره» در (E12) نوشته W. Raven که در تقسیم‌بندی نه گانه‌ای از مطالعات انجام شده - که در مواردی پژوهش‌های مسلمانان را نیز شامل می‌شود - ارائه نموده است. در بخش اول وی فهرست آثاری را که به جنبه‌های عمومی سیره پرداخته‌اند، آورده است. در بخش دوم او مباحث قصصی و تحقیقاتی را که به خصوص در مورد وهب بن منبه انجام شده، بر شمرده است. بخشی از آثار وهب بن منبه را رینهارت و دوزی در تصحیح برخی پایپروس‌های عربی که یافته بودند، ارائه کرده‌اند. م. ج. کسیرت در مورد این تصحیح و برخی نکات قابل ذکر دیگر مقالاتی نگاشته است (تک همین مدخل، ذیل قصص، ۶۶۳a). مقاله‌ها و آثار مربوط به ابن‌هشام و ابن‌اسحاق، بخش دیگر این فهرست است. برخی نسخ خطی و آثار چاپی سیره نگاران قرون متاخرتر چون مغلطای بن قلیج، اثر مشهور وی زهر الباسم فی سیره ابی القاسم، نسخه خطی، لیدن ۲۷۰ Or که نگاهی انتقادی به روض الانف سهیلی (شرحی بر سیره ابن‌هشام) نگاشته و آثار ابن‌سید الناس (عیون الاثر فی فنون المغازی والاثر) و سبل الهدی نوشته صالحی به عنوان منابعی برای تحقیق در سیره معرفی شده‌اند. فهرستی از مقالات نگاشته شده در مورد قانون نامه مدینه، وثاقت اشعار برای مطالعه سیره از مطالب دیگر مورد بحث در این مدخل است. درباره نکات بیشتر و فهرست کامل آثار نگاشته شده ر.ک: همان، ۶۶۳b.

۱۱. مثلاً در مورد وثاقت قرآن بیان شده است: «همچنین می‌بایست این را محتمل دانست که برخی از نخستین آیات و حیاتی نگاشته نشده یا صحابه پیامبر آنها را در ذهن خود حفظ نکرده و از دست رفته باشند». همان، ج ۷ ص ۳۶۳a. در مورد مفهوم امی بودن پیامبر بیان شده است: «پیامبر از آن جایی که تاجر بود، می‌بایست تاحدی خواندن و نگارش عربی را بلدان. سرنخی برای این نظر عبارتی در این مورد از قرآن است، در سوره فرقان آیات ۴ تا ۶ که از قول مخالفان پیامبر بیان شده است که می‌گفته‌اند: او (یعنی پیامبر) داستان‌های پیشینیان را می‌نگارد... که بر وی بامدادان و شامگاهان خوانده می‌شده است. قرآن (آیه ششم سوره فرقان) این اتهام را رد نکرده است، گرچه

translition", BSOAS, xxi (1958) pp: 1-14.

۱۵. کتاب ابن اسحاق تنها به روایت شاگردان او باقی مانده است. عبدالملک بن هشام کتاب ابن اسحاق را از زیاد بن عبدالله بکائی روایت کرده است. ظاهراً روایت کتاب ابن اسحاق به طریق یونس بن بکیر در اندلس متداول بوده است.

۱۶. دائرة المعارف اسلام (E12) ذیل سیره، ج ۹، ص ۶۶۱.
۱۷. در این باره بنگرید به اثر مفید ذیل که حاوی دیدگاه کامل غربیان در این مورد است. ذکر این نکته نیز ضروری است که محققان مسلمان نیز خود به مسئله شفاهی بودن متون اسلامی توجه دارند، اما آنچه متمایز کننده آنها از آرای غربیان است، عدم افراط محققان اسلامی در بی اعتبار دانستن متون اسلامی است. برای مثال ر.ک: شاکر مصطفی، التاريخ العربی و المورخون، ۱۹۸۳م، ج ۱، صص ۷۴ به بعد.

Berg, Herbert, The Development of Exegesis in Early Islam, curzon 2000.

۱۸. در حقیقت مهم ترین مسئله که به شدت در تحقیقات جدید سیره مورد توجه قرار دارد، وثاقت متون است. هیچ تحقیقی در این زمینه را نمی توان در سال های اخیر یافت که به نحوی در این مورد اظهار نظر نکرده باشد. در ادامه مقاله از این مسئله بیشتر سخن رفته است.

۱۹. در این مقاله عبدالعزیز دوری در مورد خاستگاه تاریخ نگاری اسلامی و دو مرکز عمده آن، یعنی مدینه و عراق، سخن گفته است. مکتب مدینه عمدتاً به سیره نگاری و مکتب عراق بیشتر به نگارش مغازی توجه نشان داده است. فقهای مدنی در تألیفات خود به همه ابعاد زندگی پیامبر توجه کرده و به تألیف آثار متعددی در این مورد پرداخته اند. فرد پیشگام در تدوین مغازی، عروة بن زبیر (م ۹۴ ق) است؛ کسی که تاریخ نگاری مدینه با وی آغاز گردید. بخش های موجود از منقولات عروة بن زبیر، توجه وی را به حیات پیامبر و تاریخ اسلام نشان می دهد. (منقولات موجود از عروة بن زبیر را آقای محمد مصطفی الاعظمی با عنوان مغازی رسول الله لعروة بن زبیر، ۱۴۰۱ ق به چاپ رسانده است). گرچه شخصیت محوری در تدوین سیره، به نظر زهری است. منبع نخست وی در مغازی، روایات منقول وی از عروة بن زبیر است که منابع از وی به عنوان نخستین مؤلف در مغازی نام برده اند. با این حال روایات موجود این نکته را چندان تأیید نمی کنند و نقش عمده در روایات زهری از آن افراد دیگر، یعنی سعید بن مسیب و عبیدالله بن عبدالله بن عتبیه و... می باشد. ظاهراً کتاب زهری در مورد پیامبر تنها شامل حوادث و وقایع قبل از ظهور اسلام و شرح حال پیامبر در مکه و مدینه بوده است. سخاوی می گوید: کتاب مغازی نوشته زهری را حجاج بن ابی منیع (م بعد از ۲۱۶ ق) از طریق هم او روایت کرده است. السخاوی، اعلان بالتبویح لمن ذم اهل التاريخ، ص ۸۸.

در هر حال این نکته بیانگر آن است که زهری کتابی در

تأکید دارد که پیامبر فرو فرستاده ای از سوی خداست». همان، ص ۳۶۵b. برای نقدی بر نظریات بیان شده در مدخل «محمد» در E12 ر.ک: ابو زید، د. احمد، السیره النبویه تصحیح اخطاء الموسوعة الاسلامية الصادرة عن دار بریل فی لایدن بهولاندا، رباط، ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹م. گرچه خود این اثر بیشتر از این مدخل مشکل دارد و نویسنده تفکر کاملاً سلفی را نشان داده است. برای مثال وی روایت شق صدر را که در دائرة المعارف جعلی خوانده شده است را صحیح معرفی کرده و سعی در دفاع از آن دارد. همان، ص ۴۳. نکته ای که نباید از ذهن دور داشت، رهیافت های این محققان در تحقیقاتشان است آنچه ضرورت دارد، نقد روش های این محققان می باشد. برای مثال نویسنده همین مدخل خود در آغاز تذکر داده، نگارش این مدخل بر اساس آموزه های تجربی است و وی نگاه کلامی به مسئله ندارد.

۱۲. این آثار نیز فاقد اشکال نیستند. برای مثال وات در تحلیل چرایی شروع مخالفت مشرکان با پیامبر، با پذیرش صحت روایت غرانیق سعی در تحلیل این مسئله دارد. از نظر وات، روایت غرانیق صحیح است؛ چرا که هیچ انگیزه ای برای جعل آن در بین مسلمانان بعدی نبوده است.

Watt. Montgomery, W, Muhammad at Mecca, ed 3 (1993) pp: 101 ff.

ترجمه عربی این آثار را شعبان برکات با عنوان های محمد فی مکه و محمد فی مدینه به چاپ رسانده است. کتاب مفیدی نیز با عنوان الاستشراق فی السیره النبویه، دراسة تاریخیة لاراء وات، بروکلان و فلهاوزن توسط عبدالله محمد النعیم توسط انتشارات المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م، به چاپ رسیده است. برای نقدی دیگر بر کار وات و داستان غرانیق همچنین ر.ک:

Ahsan.M.M," The Stanic Verses and The Orientalists", Hamdard Islamicus, 5.1(1982)pp:27-36.

مؤلف در آغاز مقاله خود به برخی مطالب و آثار نقادانه بر رهیافت های شرق شناسانه را فهرست کرده است. در پی نوشت دوم، وی به نوشته ای در مورد افسانه غرانیق توسط الیزه لیختن اشتادر اشاره کرده است که این افسانه را یکی از مهم ترین مثال ها از نسخ و تبدیلات قرآن دانسته و گفته: این آیات که شیطانی خوانده شده است، به دلیل دلالت کفرآمیز آن می باشد. ر.ک:

Ilse Lichtenstddter "A Note on the Ghraniq and related Quranic Problems", Israel Oriental Studies, 5 (1975)pp: 54-61.

۱۳. روایات دیگر ابن اسحاق را ازرقی در اخبار مکه و طبری در تاریخ خود ذکر کرده اند.

۱۴. سرچنت در مقاله ای به برخی از این اشکالات و ترجمه نادرست عبارات ها اشاره کرده است. ر.ک:

Serjeant.R," Professor A. Guillaumes

۲۸. سحاب، فکتور، ایلاف قریش، المرکز الثقافی العربی، بیروت: ۱۹۹۲، صص ۴۲۱ - ۴۳۲ (همچنین بخش مآخذ شناسی کتاب سحاب فهرست مفصلی از برخی مقالات تحقیقی در مورد تجارت مکه را در بردارد. ر.ک: هم او، ایلاف قریش، صص ۴۴۰ - ۴۴۸).

29. " Meccan Trade and Quranic exegesis(Quran 2;198)", BSOAS, 53(1990).pp:421-428.

۳۰. موضوع اصلی بحث روبین، آیه ۱۹۸ سوره بقره (لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلاً من ربکم) و عبارت فضل، ذکر شده در آیه است. وی با رجوع به کتب تفسیر، به ویژه تفسیر طبری، به تحلیل این آیه و مدلول آن پرداخته است.

31. Humphreys.op.cit,p:84.

۳۲. این دانشگاه را لرد بالفور در سال ۱۹۲۵ م افتتاح کرد. برای اطلاعات بیشتر درباره این دانشگاه ر.ک: Encyclopaedia Judaica, Vol.8, pp:219-226.

۳۳. وی مؤلف اثری مشهور در نگارش سیره و مغازی است که حسین نصار با عنوان مغازی الاولی و مؤلفوها آن رابه عربی ترجمه کرده است. اصل این نوشتار به آلمانی انتشار یافته است. ترجمه‌ای از آن به انگلیسی در مجله Islamic Culture در چهار شماره در سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ م به چاپ رسیده است. بنگرید با همفربز، Islamic History,p:۷۷,۳۴۷.

34. Rosen-Ayalon,Mayriam, Insitutue of Asion and African Studies,Asion Research Trends, 5(1995) pp:53-54.

۳۵. آروی روبین مقاله‌های متعددی در مورد سیره نگاشته است. مهم‌ترین ویژگی کار وی استفاده از متون تفسیری در ارائه تحلیل خود از حوادث است. برخی از مقالات وی عبارت‌اند:

Rubin,Uri, "Pre-Existence and Light,Aspects of the concep of Nur Muhamad", Israel Oriental Studies,5(1975)pp:62-118.

Prophtes and Progentorsin the Early Shia Tradition", JSAL,1(1979)pp:41-65.

کتاب قابل توجه وی در مورد حیات پیامبر با این عنوان چاپ شده است:

Idem, The Eye of the Beholldr:The Life of Muhammad as Viewed by the Early Muslems , Princeton 1995.

مقاله‌های روبین دارای صبغه تفسیری تاریخی می‌باشند. برای برخی آثار ترجمه شده از وی توسط آقای مرتضی کریمی‌نیا ر.ک: «أقراء باسم ربک: نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۰-۱۹، سال ۱۳۷۸ش؛ رسول پوشانیده، «تفسیر کلمات مَزْمَل و مَدْرَر»، مجله بینات، ش ۲۷، سال هفتم، ۱۳۷۹ش؛ «تعامل تفسیر و حدیث در تعیین سبع المثانی»،

مغازی داشته است. با این حال تنها بخشی از کتاب مغازی وی بر جامانده است که به صورت روایات پراکنده در آثار ابن‌اسحاق، واقدی، طبری و بلاذری می‌توان آنها را یافت. در ادامه مقاله، دوری روایات منقول از زهری را به دو دوره قبل از اسلام (۷ روایت) و دوران بعد از اسلام، مرحله مکی (۵ روایت) و مرحله مدنی (۲۴ روایت) تقسیم نموده و مآخذی را که این روایات در آنها نقل شده‌اند مشخص کرده است. بعد از ذکر این مطالب نتیجه می‌گیرد: «ساختار موجود نشان می‌دهد که زهری در ذهن طرحی برای ارائه سیره پیامبر داشته است». علاوه بر تألیف اثری در مغازی، زهری به حوادث دیگر صدر اسلام، چون دوران خلافت خلفای راشدین نیز پرداخته است که دوری این موارد را مشخص کرده است.

20. Humphreys, op.cit, p:80-81.

۲۱. برای خلاصه‌ای از آرای وی بنگرید به: تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره، نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو، نوشته آندور ربیین، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، سال ۱۳۷۹، صص ۱۹۰ - ۲۱۷؛ «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، نوشته ویلیام گراهام، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، مجله آینه پژوهش، شماره ۶۵ صص ۴۶ - ۵۳. در دو مقاله که مروری بر این کتاب می‌باشند، نویسندگان کوشیده‌اند تا حد توان رهیافت ونزبرو را ترسیم کنند. با این حال هر دو متذکر شده‌اند که دریافتن مقصود وی در برخی موارد کار آسانی نیست. نقدهایی بر این کتاب نگاشته شده است، اما مؤلف این سطور هنوز نتوانسته است به آنها دست بیاورد. با این حال بیش از نقد کتاب و نتایجی که ونزبرو به آنها رسیده، آنچه نیازمند نقد است، رهیافت و روش وی می‌باشد.

۲۲. کروان و کوک در حقیقت دیدگاه‌های هنری لامنس و بکر(Becker) در Islamstudiem,Leipzig,۱۹۲۹ را گسترش و طرح کرده‌اند. ر.ک: مقاله وات با عنوان «وثاقت منابع ابن‌اسحاق»، ص ۳۱ در مجموعه مقالات کنگره سیره برگزار شده در ۲۳ و ۲۴ اکتبر در استراسبورگ ۱۹۸۰ م که با عنوان ذیل به چاپ رسیده‌اند. تلاش وات، اثبات وجود روایات مستقل از ابن‌اسحاق قبل از تدوین کتاب خود با تکیه بر باب المغازی، کتاب البخاری است:

Tufiq Fahd(ed), La vie du prophete,(1980).

23. Hagarism,The Making of The Islamic World,(1977).

24. Slaves on Horse:The Evolution of Lslamic Polity,(1980).

25. Meccan Trade and The Rise of Islam,(1987).

26. R.S.Humphreys,op.cit,pp:84-85.

27. Bulliet,W,Richard, Book Review, International Journal of Islamic and Arabic Studies, 4(2)1987, pp:69-72.

مجله ترجمان وحی، ش ۸، سال چهارم ۱۳۷۹ش.

میخائیل لکر نیز علاوه بر نگارش مقاله‌های متعددی - که با تأسف دست یابی به بخش زیادی از این مقالات میسر نگردید - در مورد نقش یهود در صدر اسلام دو کتاب جداگانه نگاشته است. یکی از این دو کتاب، یعنی مسلمانان، یهود و مشرکان، مجموعه مقالاتی است که در آنها وی به بررسی مسائل مهم صدر اسلام پرداخته است. (در مورد این کتاب بنگرید به ذیل) عنوان این دو اثر وی عبارت‌اند از:

Lecker, Michael, *The Banu Sulaym; A Contribution to the Study of Islam*, Jerusalem 1984;

idem, *Muslims, Jews and Pagans, Studies in Early Islamic Medina*, Lieden 1995.

محقق دیگر این مرکز الا لندو تاسرون موضوع پایان نامه خود را به بررسی حرکت رده اختصاص داده است. وی مقاله‌ای در مورد نقش سیف بن عمر و جایگاه وی در تاریخ نگاری اسلام نیز نگاشته است:

Eiia Landau-Tasseron, *Aspects of the Ridda Wars*, Ph.Diss Hebrew University 1987 (in Hebrew).

برای آگاهی بیشتر از این افراد بنگرید به:

Rosen-Ayalon, Marim, op.cit, pp:58,62,71-72.

دیگر محققان این مؤسسه اسحاق حسون مقاله‌ای در مورد اوس و خزرج نگاشته است،

"Contributions a Letude des Aws et des Hazrag", Arabica. 1989. pp:1-35.

در این مقاله وی ضمن بررسی نسب ذکر شده برای انصار، از نبودن وحدت و انسجام در بین انصار سخن گفته و دلیل این امر را پراکندگی انصار در مدینه (یثرب) دانسته است. به نظر حسون قدرت یافتن تدریجی اوس و خزرج در مدینه احتمالاً پس از لشکر کشی ابرهه (حدود سال ۵۷۰ م) بوده است. وی در تحقیق خود از اثری با عنوان قره العین فی اوصاف الحرمین، نوشته ابو عبدالله محمد المحجوب (قرن نهم هجری) که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی پاریس موجود می‌باشد، استفاده کرده است. در ادامه حسون، توسعه مدینه، وضعیت کشاورزی و نکات دیگری را ذکر کرده است.

۳۶. سیوطی، الدر المنثور، ذیل سوره قریش. در متن کتاب «احتفاد» ذکر شده است که درست نیست. همچنین ر.ک: لسان العرب، ذیل «عقد».

۳۷. در مأخذ قبایل عربی قبل از ظهور اسلام بر اساس نحوه تلقی آنها از مکه به دو دسته محرمون و محلون و در برخی منابع به حله، طلس و خمس تقسیم شده‌اند. محرمون حرمت ماه‌های حرام و تقدس مکه را قبول نداشته‌اند. حملات آنها به کاروان‌های تجارتنی، تجارت مکه را در مخاطره قرار می‌داد. محلون دیدگاه‌های مخالفی داشته و حرمت مکه را قبول داشتند. این نکته را کیستر در

مقاله «مکه و تمیم» بررسی کرده است. همچنین ر.ک: یعقوبی، تاریخ، ج ۱، صص ۲۵۶ - ۲۵۷ و ۲۷۰ - ۲۷۱.

۳۸. بخشی از این کتاب بر اساس نسخه منحصر به فرد آنکه در توپینگن آلمان قرار دارد، به چاپ رسیده است. درباره مطلب نقل شده ر.ک: ابن سعید الاندلسی، نشوة الطرب، تحقیق نصرت عبدالرحمن، اردن ۱۹۸۲، ص ۳۲۹. محقق در مقدمه خود مطالب سودمندی در مورد مؤلف کتاب و منابع مورد استفاده در تألیف آن بیان داشته است.

۳۹. «و کان اول من سن الرحلتین، رحلة الشتاء الی الشام و رحلة الصيف الی الحیثه الی النجاشی و ذلک أن تجارة قریش لا تعدو مکه، فکانوا فی ضیق حتی ركب هاشم الی الشام». یعقوبی، تاریخ، ج ۱ ص ۲۴۲.

۴۰. این مقاله را راقم این سطور به طور کامل به فارسی ترجمه کرده است. این نوشتار با این ویژگی‌ها به چاپ رسیده است: M.J.Kister, "Macca and Tamim, Aspects of their Relations", JESHO, 8(1965) pp:113-163.

اهمیت دیگر کار کیستر در شناسایی نسخه خطی کتاب المناقب المزیذیه فی اخبار الملوک الاسدییه است. عنوان این کتاب به خواننده این نکته را القا می‌کند که کتاب به معرفی و شرح احوال خاندان شیعی بنو مزید می‌پردازد، حال آنکه تنها بخش اندکی از این کتاب به این موضوع اختصاص دارد و موضوع بخش اعظم کتاب، ارائه گزارش‌هایی از جاهلیت است. مؤلف این اثر عالم شیعی کم‌تر شناخته شده نیمه دوم قرن پنجم و دهه‌های آغازی قرن ششم، ابو البقاء هبة الله بن ناصر بن حسین بن نصیر (نصر) می‌باشد. دانسته‌های ما در مورد این عالم امامی اندک است. تنها از طریق حضور نام وی در چند سلسله سند، اطلاع داریم. براساس سلسله سندی که نام وی در آن است، او در سال ۴۸۸ ق. برای عالم امامی، ابو عبدالله حسین بن احمد بن طحال مقدادی زیارت نامه‌ای را برای زیارت ابا عبدالله الحسین - علیه السلام - روایت کرده است. ر.ک: المزار الکبیر، شیخ محمد بن المشهدی، تحقیق جواد القیومی، ۱۴۱۹، صص ۴۳۴ - ۴۳۵. ابو البقاء هبة الله بن نما روایتی را در باب کشته شدن ابن مقله در سال ۲۸۰ ق. را از وی روایت کرده است. ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، ۱۳۶۵، ج ۱۰۷ صص ۱۱۹-۱۲۱. همچنین ر.ک: طبقات اعلام الشیعه (نقات العیون فی سادس القرون) قم، بی تا، صص ۲۳۳ - ۲۳۴. گفتنی است که نام صحیح این کتاب را آقای حسن انصاری قمی نخستین بار در نوشتاری در مجله نشر دانش، شماره سوم سال ۱۳۷۸، صص ۸۱ - ۸۲ اشاره کرده است.

۴۱. دولت حیره برای تقویت روابط خود با قبیله تمیم، رداfe را به وجود آورد. کیستر در مقاله «حیره و نکاتی چند از ارتباطاتش با دیگر قبایل عربی» در این مورد می‌نویسد: «ردف در دربار شهریار حیره در دست راست او می‌نشست و همراه با وی سوار بر اسب می‌رفت و یک چهارم از غنایم جنگ‌هایی که شهریار حیره انجام

النسب ابن کلبی، کتابی نسب شناسانه از هشام بن محمد کلبی» به چاپ رسانده است. ر.ک:

Gamharat an-nasab Des genealogische
Werk des Hisam ibn Muhannad
al-Kalbi,(2Vol,1966)

جلد اول حاوی مطالعه‌ای در مورد متن و مؤلف آن به همراه ۳۳۴ شجره نامه است که آنها را (Gert Streziok) فراهم آورده و از کتاب ابن کلبی اقتباس کرده است. جلد دوم حاوی نمایه اشخاص ذکر شده در شجره نامه همراه با شرح حال جامع و ذکر مأخذی است که می‌توان در آن، نکات و اطلاعاتی در مورد اشخاص یافت (Humphreys, op. cit, p. ۱۱۵). متن اصلی کتاب در چند چاپ موجود است. محمود فردوس العظم کتاب را در سه جلد (دار الیقظه، دمشق ۱۹۸۲م) به چاپ رسانده است. مبنای چاپ وی نسخه اسکوریال (در مادرید) و بریتیش میوزیوم بوده است. وی همچنین از نسخه خطی المقتضب فی جمهرة ابن‌الکلبی نوشته یاقوت حموی (نسخه دار الکتب قاهره و نسخه موجود در کتابخانه عمومی رباط در مغرب) و مختصر ابن‌الکلبی نوشته ابن‌یحیی بن مبارک غسانی (نسخه خطی کتابخانه راغب باشا، استانبول) و انساب الاشراف در تصحیح کار خود استفاده کرده است. تحقیق دیگر این کتاب را عبدالستار احمد فراج با همین عنوان جمهرة النسب (بی تا، بی جا) ظاهراً در دو جلد به چاپ رسانده است. ابن‌حزم در تألیف کتاب جمهرة الانساب خود از این کتاب استفاده کرده است. ر.ک: ۴۹۶-۴۹۵، pp. ۴ (by W. Atallah)-Kalbi- EI۲, s. v, Al. چاپ دیگر این کتاب را ناجی حسن ظاهراً بر اساس نسخه بریتیش میوزیوم در سال ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م دارالکتب بیروت به چاپ رسانده است.

۵۱. ر.ک: مجله میقات حج، شماره ۳۱، صص ۱۲۸-۱۲۹.

52. See: Arabica, VX(1968)pp:146-148.

۵۳. این مقاله را راقم این سطور به فارسی ترجمه کرده است.

در مورد متن اصلی آن ر.ک:

M.J.Kister, "The Market of Prophet",

JESHO,8(1965)pp:272-276.

۵۴. در مورد وی بنگرید به همین مدخل در دائرة المعارف

بزرگ اسلامی.

55. Rubin.U, "The Assassination of Kab

b.Ashraf", Oriens,32(1990)pp:65-71.

۵۶. کتب سیره، تاریخ‌های متعدد و متضادی از زمان وقوع

حملات و نبردهای پیامبر (غزوات و سریه‌ها) ارائه می‌دهند. در

منابع مهم سیره نبوی چون مغازی موسی بن عقبه، سیره

ابن اسحاق و مغازی واقدی تفاوت‌های مهمی درباره زمان رخ دادن

نبردهای پیامبر وجود دارد. این مسئله را مارسدن جونز در مقاله‌ای

بررسی کرده است. وی در تحقیق خود بیان می‌دارد که این

اختلافات حتی در مورد حوادث مشهور، چون غزوه بنی قینقاع و

نبرد خیبر نیز وجود دارد. گرد آوری مطالب منقول تا حدی این

می‌داد، از آن او بود و هدایایی نیز از سوی رعایای امیر حیره دریافت می‌داشت. ارداف در دربار حیره، جایگاهی همچون وزیر در دوره اسلامی داشته‌اند. در دربار حیره، قبیله یربوع از تمیم عهده دار ردافه بوده‌اند». کیستر، همان، ترجمه محمد کاظم رحمتی، مجله میقات حج، شماره ۳۱، ص ۱۳۰.

۴۲. این فهرست عمدتاً بر اساس کتاب نسب قریش نوشته

زبیر بن بکار، جمهرة نسب قریش و اخبارها نگاشته مصعب بن عبدالله زبیری و کتاب جمهرة النسب نوشته ابن‌کلبی تنظیم شده است. در تکمیل مقاله کیستر، والتر دوستال به بررسی مردم شناسانه وضعیت مکه و رشد آن پرداخته است. وی فهرست تکمیلی دیگری از ازدواج‌های درونی قریش را ارائه کرده است. این ازدواج‌ها با این قبایل عاملی مهم در تقویت حمس و تلاش هیوشمندانه از سوی قریش بوده است. ر.ک:

Doostal, Walter, "Mecca before the time of the

Prophit attempt of [sic] an anthropological

interpretation", Der Islam,

68.2(1991)pp:221-231.

۴۳. برای ترجمه فارسی این مقاله ر.ک: مجله میقات حج،

شماره ۳۱ و ۳۲، مقاله «حیره و نکاتی درباره ارتباط آن با دیگر قبایل».

۴۴. چاپ شده در JESHO شماره ۱۵ سال ۱۹۷۲، صص ۶۱

- ۹۳. این مقاله را نگارنده به فارسی ترجمه کرده است.

۴۵. چاپ شده در:

Mecca and the tribes of Arabia",

Studies in Islamic History and Civilization in honor

of Daived Ayalon, ed M.Sharon, Lieden

(1986)pp:33-57.

46. JSAL,13(1990)pp:113-154.

۴۷. همچنین بنگرید به: دائرة المعارف دین و اخلاق ویراسته

میرچیا الیاده که مؤلف مدخل «مکه»، برای مطالعه بیشتر به همین

آثار کیستر ارجاع داده است.

۴۸. در این مورد برای مثال مقاله مقام ابراهیم وی قابل ذکر

است که در آن عبارتی از تاریخ مکه نگاشته فاکهی را نیز به

ضمیمه مقاله تصحیح کرده است. ر.ک: Le 491-

Museon,84(1971)pp:487

۴۹. این اثر را مرحوم دانش پژوه بر اساس نسخه در دسترس

خودشان به چاپ رسانده‌اند. چاپ دیگری نیز این اثر موجود است.

ر.ک: کاهن، کلود، همان، صص ۱۵۱-۱۵۲.

۵۰. کتاب جمهرة النسب، هشام بن محمد بن سائب کلبی (م).

۲۰۶ ق) که به روایت شاگردش محمد بن حبیب از طریق ابوسعید

سکری به دست ما رسیده، دارای دو تحریر است. نسخه‌ای از آن در

اسکوریال مادرید و نسخه‌ای دیگر در بریتیش میوزیوم موجود است

که از برخی جهات با یکدیگر تفاوت دارند. در مورد این کتاب ورنر

کاسکل (Werner Caske) ترجمه‌ای با عنوان «جمهرة

امکان را فراهم می‌کند تا بتوانیم بر برخی از این تناقضات فایق آییم. وی ابتدا فهرستی از نبردهای پیامبر فراهم آورده و ارجاعات ذکر شده در مورد آنها را بیان کرده است. پس از آن جونز با استفاده از نقد متون و مقایسه آنها، در حل اختلافات کوشیده است. توالی رویدادها که واقدی ثبت نموده، به عنوان اساسی برای فهرست ذکر شده، مورد استناد قرار گرفته است. جونز در مورد این اختلافات می‌نویسد: «نگاهی اجمالی به این فهرست به خوبی متناقض بودن و وجود اختلاف در زمان رخ دادن حوادث را نشان می‌دهد. حتی در یک منبع نیز گاهی در مورد یک حادثه زمان‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی از جزئیات چیزی جز تلاش‌هایی برای نظم دهی و آرایه بعد واقع‌نمایی‌تر در نقل حوادث نیست که اطلاعات اندکی در موردشان وجود داشته است. همچنین این تواریخ مختلف به نحوی بیانگر وجود نوعی مفهوم ابتدایی از پیدایش نقد تاریخی است؛ نکته‌ای که در بعد مکتب سیره نگاری مدینه آن را به اوج رساند. در کتاب سیره ابن‌اسحاق جزئیات زمانی، اغلب به نحو موجزی بیان شده است. در مقابل، واقدی توالی منظمی از رخ دادن حوادث با ذکر تاریخی که در آن رخ داده‌اند، ارائه می‌دهد. آنچه ابن‌اسحاق بدون تاریخ مشخصی بیان داشته، در مغازی واقدی با ذکر تاریخ دقیقی ثبت شده است». نتیجه‌گیری نهایی جونز این است که در مورد زمان رخ دادن حوادث چهار دسته اخبار وجود دارد: ۱. مواردی که منابع تاریخی تاریخ یکسانی در مورد آنها ارائه می‌دهند؛ ۲. مواردی که با بررسی متون مشخص می‌گردد که تنها یکی از تواریخ ذکر شده برای آنها صحت دارد؛ ۳. مواردی که تاریخ‌های خاصی را واقدی ارائه کرده است که در دیگر منابع زمانی برای آنها ذکر نشده است؛ ۴. مواردی که چند تاریخ محتمل در موردشان وجود دارد. بعد از ذکر این مطالب جونز اظهار نموده که شاید این تفاوت در تواریخ، ناشی از تقویم جداگانه جاهلی بوده باشد (نساء) و اظهار امیدواری نموده که بتواند آن را در مقاله‌ای دیگر بررسی کند. ر.ک:

"The Cronology of the Maghazi, A Textual Survey", BSOAS, 19(1957)pp:245-280.

۵۷. استفاده از متون تفسیری و حدیثی یکی از شاخصه‌های مکتب بیت المقدس است؛ به خصوص متون تفسیری روایی از این حیث حاوی نکات مهمی هستند.

۵۸. رویین تذکر داده است که این روایت را مفسران دیگر نیز ذکر کرده‌اند. برای نمونه بنگرید به زمخشری، کشاف، ج ۴، ص ۷۹.

۵۹. ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۲۵۹.

60. M.J. Kister, "The Massacre of the Banu Qurayza, A re-examination of a tradition", JSAI, 8(1986)pp:61-95.

61. W.N.Arafat, "New Light on the story of Banu Qurayza and the Jews of Medina", JRAS (1976) pp:100-107.

عرفات خلاصه‌ای از متن انگلیسی خود را به عربی نیز در کتاب بحوث المؤتمر الدولي للتاریخ، بغداد ۱۹۷۴، صص ۷۸۷-۷۹۳ به چاپ رسانده است.

62. W.N.Arafat, op.cit, p:100.

۶۳. ابو عبیده، الاموال، چاپ خلیل محمد حراس، قاهره: ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸م، ص ۲۴۱.

۶۴. آنها فرزندان ابو حقیق بودند.

۶۵. خاصه آنکه هیچ خبری در کتب عمومی یا جغرافیایی اختصاصی به تاریخ مدینه مثل معجم ما استمعجم نوشته بکری؛ معجم البلدان نوشته یاقوت، حموی، المغنم المطالبه فی معالم طابه، فیروز آبادی، تحقیق حمد جاسر، دار یمامه ۱۴۱۵ق، و در شش رساله چاپ شده در تاریخ مدینه با عنوان رسائل فی تاریخ المدینه، دار یمامه ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲م و سمهودی، وفاء الوفاء به اخبار دار المصطفی (قاهره ۱۳۲۶) وجود ندارد. سمهودی (همان، ص ۵۴۴) تنها اشاره کرده است که از بازار مدینه، در خبری به عنوان محل زندانی شدن بنی قریظه یاد شده است.

۶۶. الاموال، ص ۲۴۷.

۶۷. واقدی، المغازی، ج ۲ صص ۶۳۴، ۶۸۴.

۶۸. برای اطلاعات بیشتر در مورد حادثه قتل عام مسنده ر.ک: دائرة المعارف جودائیکا، ج ۱۱، صص ۱۰۷۸-۱۰۹۱.

۶۹. در مورد وی بنگرید به همین مدخل در دائرة المعارف جودائیکا (متن انگلیسی) ج ۱۰، صص ۲۵۱ - ۲۶۶.

70. Arafat, op.cit, pp:103-106.

71. M.J.Kister, op.cit, p:63 no2.

72. "The Masade Legend in Jewish and Islamic Tradition", IQ, 20-22, (1978) pp:44-105.

۷۳. الشافعی، کتاب الام، تجدید چاپ، کتاب الشعب، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸م، ج ۳ ص ۱۰۷. کیستر در ص ۶۷ مقاله خود ترجمه دقیق این عبارت را به انگلیسی آورده است.

۷۴. در مورد استناد فقیهان به ابن ماجرا در صدور حکم فقهی به نظر ابن حزم (م. ۴۵۶ ق) در الاحکام فی اصول الاحکام، تحقیق محمد احمد عبدالعزیز، قاهره: ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ص ۸۹۷؛ ابن قییم الجوزی، زاد المعاد، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۷۲ و موارد دیگر اشاره شده است. ر.ک: کیستر، همان، ص ۶۴. کیستر حتی اشاره کرده که «دار» مورد اشاره در خبر زندانی شدن افراد بنی قریظه در خانه زنی از بنی نجار، قابل قبول است؛ چرا که این کلمه در اشاره به خانه بزرگ نیز به کار رفته است. (کیستر، همان، ص ۷۴ پی نوشت ۳۹). طرق مختلف این روایت را و ات در مقاله‌ای با عنوان:

The Condemntion of the Banu Qurayzah, MW, 42(1952)pp:160-171.

آورده است. درباره روابط ابن‌اسحاق و مالک بن انس و علت نزاع آنها نیز توضیحات سودمندی ذکر شده است. ر.ک: کیستر، همان، صص ۷۵ به بعد (این مطالب از کتاب المحن، نوشته ابو

همچنین اختلافاتی در موضع آن نسبت به برخی گروه‌های یهودی مدینه وجود دارد. این از آن روی است که در متن به نام قبایل یهودی مدینه اشاره نشده است. ر.ک:

. EI2, s.v. Sira (by W. Raven) p:663a.

۸۹. این کتاب همراه با مطالعه ولهاوزن به انگلیسی ترجمه شده و با عنوان ذیل به چاپ رسیده است. ر.ک:

Wolfgun. Behn, Muhammad and The Jews of Medina, 1975.

90. "The Constitution of Medina", IQ, 8(1964), pp:3-16.

به نظر سرچنت متن اصلی عهد نامه از پنجاه بند تشکیل شده و میان پیامبر، انصار، یهود و هر کسی که به مدینه در آید، منعقد شده بود. هم او خلاصه‌ای از موارد مهم عهدنامه را ذکر کرده و می‌نویسد:

«ظاهر عهدنامه در روایت ابن‌اسحاق، صورت یک معاهده را نشان می‌دهد، اما در اصل مرکب از چند سند است؛ چرا که اجزائی از آن در دیگر کتاب‌های حدیثی چون مسند ابن‌حنبل، کتاب بخاری، سنن ابی داود و... بیان شده است».

بعد از ذکر نکات کوتاهی از شرح حال ابن‌اسحاق، مسئله جالب توجه در شرح حال وی را ارتباط وی با عبدالله بن حسن بن حسن (نفس زکیه) می‌بیند که بنا بر نوشته یاقوت، او ابن‌اسحاق را در ضبط روایات تاریخی خود راهنمایی می‌کرده و تحت نظر هم او، ابن‌اسحاق روایات خود را ثبت می‌کرده است (عبدالله بن حسن بن حسن به ابن‌اسحاق می‌گفته است: اثبت هذه فی علمک فیثبته و یروی / یروی عنه). به نظر سرچنت محتمل است که ابن‌اسحاق مطالب خود در مورد عهدنامه را از عبدالله بن حسن گرفته باشد.

در سنن ابی داود، حدیثی از علی . علیه السلام . نقل شده است که ایشان بیان داشته‌اند: «ما کتبت عن رسول الله الا القرآن و ما فی هذه الصحيفة». بخاری عبارت نوشته شده در صحیفه را این گونه آورده است: «... و فکاک الالاسیر و ان لا یقتل مسلم بکافر». نظر سرچنت این است که صحیفه مورد اشاره در حدیث همان قانون نامه مدینه است. پس از آن به مصادر شیعی رجوع نموده، موضوع قانون نامه را به اختصار از طریق منقولات شیعی پی گرفته است. مأخذ دیگر در مورد قانون نامه، قرآن است. آیات چندی در قرآن به این موضوع اشاره دارد. مثلاً آیه ۷۰ سورة آل عمران، آیه ۳۸ سورة بقره و... را می‌توان ذکر نمود. بحث بعدی سرچنت در مورد برخی مشکلات ناشی از یکی دانستن عهد نامه‌های مختلف است. برای مثال به اصطلاح ذکر شده در عهد نامه که در آن جوف مدینه به عنوان حرم اشاره شده، می‌کند و می‌نویسد: «سمهودی در ثبت وقایع بعد از جنگ خیبر به این نکته اشاره کرده که مدینه پس از آن حرم نامیده شده است. ظاهراً این اصطلاح دست کم بعد از نبرد خندق رایج شده باشد». بر همین اساس سرچنت، قانون نامه مدینه را ترکیب شده هشت سند می‌داند و هر کدام را به نحو مستقل بررسی کرده است.

91. "The Sunna, Jamiah, Pacts With The Yathrib Jews and the tahrim of Yathrib, Analysis and Translation of the Documents Comprised in the

العرب و نسخه خطی آن نقل شده است. در حال حاضر کتاب المحن به چاپ رسیده است).

75. Kister, op. cit, p:96.

۷۶. تنها از نگارش مقاله‌ای با عنوان «محمد و یهودیان مدینه؛ مقایسه‌ای بین روایات ابن‌اسحاق و واقدی» در نقد دیدگاه‌ها کیستر توسط Rizwi S. Faizer در مجله JMES شماره ۲۸، سال ۱۹۹۶، صص ۴۶۳-۴۸۹ اطلاع دارم. این مقاله در حقیقت بخشی از پایان نامه محقق پیش گفته در مورد یهود مدینه با تکیه بر ابن‌اسحاق و واقدی است. فیزر در نقد نظر کیستر بیان می‌کند که وی در نتیجه‌گیری از منابع شتایزدگی نموده، و اینکه پیامبر تنها به اقدامات بنی‌قریظه ظنین بوده وارد کرده و نشان داده که شواهد متقنی بر توطئه آنها وجود داشته است. هم او، صص ۴۷۶ - ۴۷۷.

همچنین بنگرید به مدخل «قریظه» در دائرة المعارف جودائیکا.

77. "The Expedition of Bir Mauna" in Arabic and Islamic Studies in Honor of-Hamilton A.R. Gibb, ed. Gorge Makdisi, Leiden 1965, PP: 337-357.

78. "Mecca's Food Supplies and Muhammad Boycott", JESHO, 20(1979) pp:251-266.

79. "Muhammad's Political Consolidation in Arabia up to The Conquest of Macca", MW, 79 (1979) pp:229-247.

۸۰. همین کار را برای به زانو درآوردن عبدالله بن زبیر در بعد انجام گردید. یعنی ابتدا او را از مراکز خیبر دور نمودند و بعد از آن به محاصره مکه پرداختند. ر.ک: رحمتی، محمد رضا، خاستگاه‌های سیاسی - اقتصادی قیام عبدالله بن زبیر، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۲، زمستان ۱۳۷۶، صص ۱۱۷ - ۱۲۶.

81. "O God tighten Thy grip on Muder, Some Socio-economic and religious aspects of an early hadith", JESHO, 24(1981) pp:242-273.

۸۲. مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۱۳۲.

۸۳. کیستر به شهادی بر تأیید این مدعا نیز اشاره کرده است. مفسران در سبب نزول آیه ۷۶ سورة مؤمنون بیان داشته‌اند که: پیامبر به ثمامه بن اثال دستور داد تا از بردن گندم از یمامه به مکه را جلوگیری کند. کیستر، خدایا عرصه را بر مضر تنگ گردان، ص ۲۵۱، پانویست‌های ۴۳ و ۴۴.

84. " Muhammad's cruse of Muder and the blockade of Mecca", JESHO, 31(1988) pp:249-264.

85. Le Museon, (1963), pp:403-417.

۸۶. ر.ک: مجله ۱۲۸-۱۲۰: IOS, ۵(۱۹۷۵) pp.

۸۷. انتشارات تاوریس، ۱۹۹۵م.

۸۸. معمولاً قانون نامه مدینه به عنوان متنی موثق و نگاشته‌ای که تاریخش به زمان پیامبر باز می‌گردد، پذیرفته شده است. گرچه اختلافاتی درباره یکی بودن متن یا اینکه عهدنامه ترکیب شده از چند سند است، در بین محققان مطرح است.

در مورد این مجموعه و اینکه آیا آثار دیگر وعده داده شده از این مجموعه به چاپ رسیده‌اند یا خیر، به دست آورم.

۱۰۴. کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش اول، با عنوان «مؤلفان شرح حال پیامبر»، حاوی مطالبی در مورد چگونگی تدوین کتب سیره و مغازی است. بخش دوم، مقالاتی است در باب حوادث ایام زندگانی نبی مکرم. بخش سوم، برخی آثار کلاسیک مستشرقان از زبان‌های مختلف به انگلیسی برگردانده شده است. بخش آخر، که تنها حاوی یک مقاله است، به بررسی اطلاعات ارائه شده از اسلام و پیامبر در مدافعات مسیحیان در قرون وسطا پرداخته است. در اول این کتاب: همچنین فهرستی از مقالات و آثار مهم سیره مورد اشاره قرار گرفته‌اند که از بیشتر آنها در این مقاله سخن رفته است.

105. "Waqidi's Account on the Status of the Jews of Medina; a study of a Combined Report", JNES, 54(1995),pp:15-32.

106. see M.J.Kister, "The Campaign of Huluban: a New Light on the Expedition of Abraha", Le Museon, 78(1965),pp:425-36.

107. "The Sons of Khadija", JSAI, 16(1993),pp:59-95.

۱۰۸. اصل این مقاله به آلمانی در نشریه JSAI سال ۱۹۸۶، شماره هشتم به چاپ رسیده است. ترجمه انگلیسی آن با عنوان ذیل در این مجموعه به چاپ رسیده است:

"The First Muslims in Mecca: A social Basics For a New Religion"

109. "The Meeting at al-Akaba", Le mond oriental, 28 (1934), pp:17-58. Gertrud Melamede,

110. Furrukh B.Ali, "Al-Hudaybiyya: an Alternative Version", MW, 71(1981),pp:47-62; G.R.Hawting, about the "Al-Hudaybiyya and Conquest of Mecca: a Reconsideration of the Tradition Muslim Takeover of Sanctuary", JSAI,8(1986),pp:1-24.

111. "The Grouth of the Mohammad Legend," The Muslem World, 10(1920),pp:49-58.

۱۱۲. این مقاله قبلاً در سمیناری که در استراسبورگ در مورد سیره برگزار گردیده بود، به چاپ رسیده است. بخش اعظم مقالات این کنگره به فرانسه است.

The Pophet Muhammad: His Scripture and his Message according to the Christuan in Arabic and Syriac from the First Abbasid Century", Toufic Fahd,ed, La vie du Prophete Mahomet; Colloque de Strasburg Octobre 1980(Paris,1983), PP:99-146.

So Called Constitution of Medina", BSOAS, 41(1979)pp:1-42.

92. "Constitution of Medina, A Reconsidration", Israel Oriental Studies,4(1979),pp:44-66.

۹۳. به این مقاله دست نیافتیم. متن مقاله در مجله ۲۳-۵: Studia Islamica, ۶۲(۱۹۸۵),pp:۵-۲۳ به چاپ رسیده است.

۹۴. ر.ک: «قانون نامه مدینه»، ترجمه شهلا بختیاری، مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۵، آذر و دی ۱۳۷۶، صص ۱۰۱ - ۱۱۵. همچنین مقاله کوتاه دیگری را از گوتو با عنوان «مدینه در زمان هجرت پیامبر» استاد رسول جعفریان به فارسی ترجمه کرده است. ر.ک: مجله میقات حج، شماره ۲۰، (۱۳۷۶) صص ۹۱ - ۱۰۲.

95. See, Humphreys, op.cit, pp:43-44.

۹۶. در ادامه لکر به برخی خطاهای دیگر گیل اشاره کرده است. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از: گیل خبری از سیره نبویه نوشته احمد زینی دحلان را نقل کرده و به خطا آن را به سیره حلبیه نوشته علی بن برهان الدین حلبی نسبت داده است. همچنین در ترجمه خبر، بخشی را جا انداخته است که مضمون خبر را تا حدی دگرگون می‌کند. لکر متن خبر را آورده و ترجمه دقیق آن را بیان داشته است. سپس بحث خود را به فرض گیل در مورد نبودن عهد نامه اختصاص داده و به دو دلیل نفس وجود عهدنامه‌ها را معتبر دانسته است. این دلایل عبارت‌اند از: نخست تأکید همه منابع بر وجود عهدنامه‌ها و دوم لزوم اتخاذ موضعی توسط پیامبر در قبال یهود در بدو ورود به مدینه، که لازمه آن عقد قراردادی با آنها بوده است.

۹۷. ر.ک: JAOS,110(1990),p:472.

98. Origins of Muhammmadan Jurisprudence, Oxford,(1950),p:149.

99. BSOAS,61,1(1998),pp:129-130.

۱۰۰. در این نقل ادعا شده که پیامبر(ص) در مسجد ضرار نماز گزارده است.

101. "The death of the prophet Muhammad's father: did Waqidi invent some of the evidence", ZDMG, 145,1 (1995),pp:9-28.

۱۰۲. مقصود کوک این است که روایت ساده قرن اول هجری در دست روایان قرن دوم به نحو داستان گونه بسط یافته و صورت تفصیلی به خود گرفته است؛ حال آنکه مبنایی ندارند. قبلاً اشاره شد که کوک از جمله کسانی است که وثاقت روایات اسلامی را قبول ندارد و آنها را جعلیات دوره‌های بعد می‌داند.

103. The Life of Muhammad, ed. Uri Rubin, variorum,1998.

سر ویراستار کلی این مجموعه که در ۴۷ جلد منتشر خواهد شد، لارونس ای کنراد می‌باشد. مجموعه‌ای در مورد تشیع نیز به وسیله اتان کلبگ از دیگر محققان دانشگاه حبرو در فهرست آثار این مجموعه گزارش شده است. تا به حال موفق نشده‌ام اطلاع بیشتری